

کتاب درسی

زبان فارسی



زبان خارجی دوم



Azərbaycan Respublikasının Dövlət Himni

*Musiqisi Üzeyir Hacıbəylinin,
sözləri Əhməd Cavadındır.*

Azərbaycan! Azərbaycan!
Ey qəhrəman övladın şanlı Vətəni!
Səndən ötrü can verməyə cümlə hazırız!
Səndən ötrü qan tökməyə cümlə qadırız!
Üçrəngli bayrağınla məsud yaşa!

Minlərlə can qurban oldu,
Sinən hər bə meydan oldu!
Hüququndan keçən əsgər,
Hərə bir qəhrəman oldu!

Sən olasan gülüstan,
Sənə hər an can qurban!
Sənə min bir məhəbbət
Sinəmdə tutmuş məkan!

Namusunu hifz etməyə,
Bayrağını yüksəltməyə
Cümlə gənclər müştəqdir!
Şanlı Vətən! Şanlı Vətən!
Azərbaycan! Azərbaycan!



حیدر علی اف
رهبر ملی مردم آذربایجان

آفت خانابایوا

برای کلاسهای هفتم آموزشگاه های عمومی

زبان فارسی

کتاب درسی
زبان خارجی دوم



© “Şərq-Qərb” Açıq Səhmdar Cəmiyyəti

Bu nəşrlə bağlı irad və təkliflərinizi
info@eastwest.az və derslik@edu.gov.az
elektron ünvanlarına göndərməyiniz xahiş olunur.
Əməkdaşlığınız üçün əvvəlcədən təşəkkür edirik!



ŞƏRQ-QƏRB

فهرست

خانواده و وطن

درس

۱.
تربیت خانوادگی و میهنی

۲.
ساختن یک گفتگو

۳.
میهن

۴.
قهرمان وقار

۵.
دوستی

۶.
آماده‌سازی متن بر اساس تصاویر

برای دیدن، برای یاد گرفتن...

درس

۳۶

۱.

نگاه کردن، دیدن

۳۸

۲.

راز خوشبختی

۴۴

۳.

مسافر جیمز

۵۲

۴.

دختر کارگر نفت

چه خوب است، چه بد است؟

درس

۵۸

۱.

ویژگی های مثبت

۲.

۶۲

اشتباه گلشن

۳.

۶۸

در یک روز بارانی

۴.

۷۴

آب چشمه

۵.

۸۰

آب تلخ

۶.

۸۴

نصیحت پدر



گوش کردن



نوشته



لغت



خواندن



حرف زدن

زندگی سالم و ایمن

درس

۹۲

۱.

آینده ای سالم و ایمن

۹۴

۲.

اشتباه

۹۸

۳.

روی تصویر کار کنید

۱۰۰

۴.

چه کسی قوی تر است؟

۱۰۴

۵.

متن

۱۰۷

تعمیم تکرار

۱۱۹

دستور زبان

۱۲۳

مطالعه خارج از کلاس درس

۱۴۲

فرهنگ



خانواده و وطن



۱. تربیت خانوادگی و میهنی
۲. ساختن یک گفتگو
۳. میهن
۴. قهرمان وقار
۵. دوستی
۶. آماده‌سازی متن بر اساس
تصاویر



تربیت خانوادگی و میهنی



عباراتی را که می‌شنوید به درستی تکرار کنید.



چه اصطلاحاتی شنیدید که متوجه نشدید؟ آنها را انتخاب کنید و معنی آنها را بیاموزید.



متن را درست بخوانید.



برای خواندن صحیح متن، موارد زیر لازم است:

یادداشت

- کلمات را به درستی تلفظ کنید؛
- از استرس صحیح کلمات استفاده کنید؛
- جملات را به درستی بخوانید؛
- ✓ جملات را بدون اضافه کردن کلمات بخوانید؛
- ✓ جمله را بدون جا انداختن حتی یک کلمه بخوانید؛
- کلمات و جملات را بدون تکرار آنها بخوانید.
- مکث در پایان جملات؛
- الزامات علائم نگارشی را در متن رعایت کنید.





خانواده و جامعه ما را به عنوان
شهروند تربیت می‌کنند و نقش زیادی
در رشد ما دارند. والدین ما اولین
اطلاعات را در مورد سرزمین مادری
به ما می‌دهند. والدین ما را تربیت
می‌کنند، صفات مثبت و قوانین رفتاری
را به ما می‌آموزند. هدف اصلی
آموزش و پرورش، پرورش شخصیت
و شهروند کامل است. یک شهروند
برای توسعه کشور تلاش می‌کند و
مسئول امنیت آن است.

ما به عنوان افراد متولد می‌شویم،
بزرگ می‌شویم و آموزش می‌بینیم. ما
به عنوان شهروند عمل می‌کنیم. یک
شهروند واقعی از طریق فعالیت‌هایش
به میهن و کشورش خدمت می‌کند.



چه ویژگی‌های مثبتی در خانواده آموزش داده می‌شود؟

۴



چه ویژگی‌های مثبتی در مدرسه آموزش داده می‌شود؟

۵



دوستان، ما باید تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و سنت‌های میهن خود را به خوبی بشناسیم. ما باید وطن خود را دوست داشته باشیم و از آن محافظت کنیم.

ما باید همیشه مسئولیت‌پذیر، صادق و شجاع باشیم. ما باید به سالمندان، جوانان و اعضای خانواده احترام بگذاریم.

ما باید خوب را از بد تشخیص دهیم، به حقیقت و عدالت ایمان داشته باشیم. اینها ویژگی‌های مثبتی هستند.

زمین ما حاصلخیز است. ما ثروت زیادی داریم. این موضوع همیشه توجه دشمنان ما را به خود جلب کرده است. آنها دائماً سعی در اشغال سرزمین‌های ما برای گسترش قلمرو خود داشته‌اند. اما هر بار پاسخ شایسته‌ای دریافت کردند.

مردم ما صلح طلب هستند. آنان جنگ نمی‌خواهند. به همین دلیل است که آنان همیشه برای زندگی بدون جنگ مبارزه می‌کنند. در کشور ما، توجه ویژه‌ای به تربیت جوانان با روحیه میهن‌پرستی می‌شود.



؟

با نظر دوستان موافقت؟
چه چیزی را دوست دارید به
ایده‌های آنها اضافه کنید؟

متن در مورد چیست؟

۶



- الف) از رشد کودکان
- ب) از عشق کودکان به میهن خود
- ج) آموزش میهن‌پرستانه
- د) ویژگی‌های مثبت

بر اساس متن، می‌توان گفت:

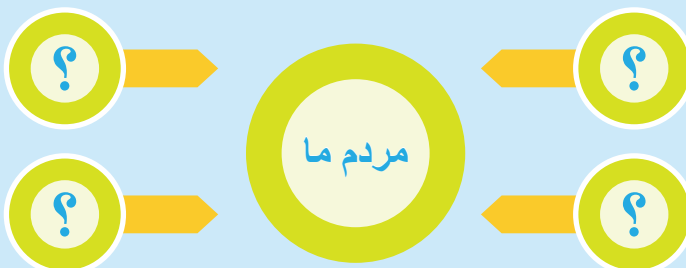
۷

- الف) فرزندان فقط در خانواده تربیت می‌شوند.
- ب) شهروند کسی است که وطن خود را دوست دارد و از آن محافظت می‌کند.
- ج) کودکان فقط در مدرسه آموزش می‌بینند.
- د) فقط خانواده صفات مثبت را آموزش می‌دهد.



مردم ما چگونه در متن معرفی شده‌اند؟ خوشه را کامل کنید.

۸





برای گفتگو:

- ابتدا همکلاسی خود را برای گفتگو انتخاب کنید.
- «وطن کجاست؟»، «وطن چیست؟» به پاسخ سؤال فکر کنید؛
- در مورد سئوالاتی که از همکلاسی خود خواهید پرسید فکر کنید؛
- در مورد پاسخ‌هایی که قرار است داده شود فکر کنید؛



دستورالعمل:

کافی است در طول مکالمه
۴-۵ سؤال پرسید.



۱۰ تصاویر را شرح دهید.

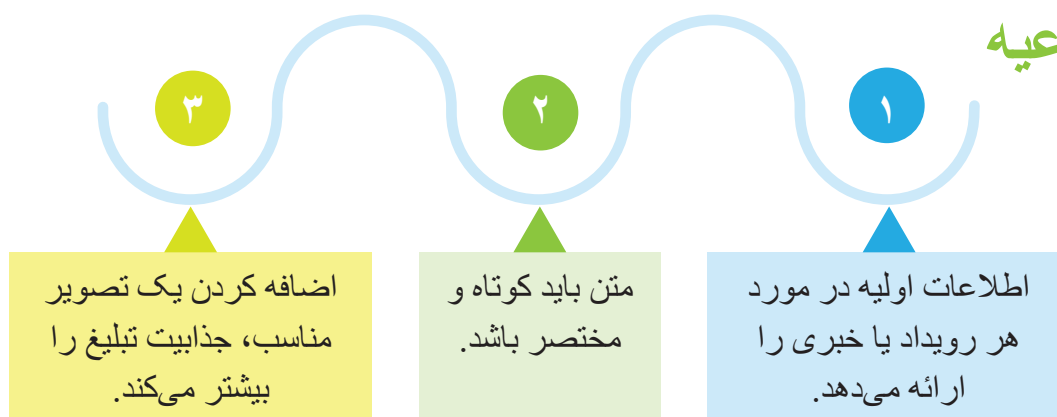
◆ چه چیزی در تصاویر به
تصویر کشیده شده است؟

◆ چه احساسی هنگام تماشای
تصاویر داشتید؟



فرض کنید کلاس شما رویدادی با عنوان «**میهن چیست؟**» آماده کرده است. شما باید یک اطلاعیه تهیه کنید تا دیگران را در مورد آن مطلع کنید.

اطلاعیه



هنگام ارائه اطلاعات در اطلاعیه، توجه به موارد زیر ضروری است:

●	●	●	●
محتوای اطلاعات واضح باشد؛	زمان و تاریخ اطلاعات باید دقیق باشد؛	محل اطلاعات، نام سازمان و شماره اتاق باید ارائه شود؛	باید مشخص شود چه کسی این اطلاعات را ارائه داده است.

نمونه‌ای از یک آگهی

دانش‌آموزان کلاس هفتم الف یک رویداد ادبی و هنری با عنوان «**قهرمانان فراموش نمی‌شوند**» تدارک دیدند. این رویداد در تاریخ ۲۶.۰۹.۲۷ در سالن اجتماعات مدرسه برگزار خواهد شد.



۲ تا ۳ جمله بنویسید که بین جملات آبی رنگ متن ارتباط برقرار کند.

۱۱



در مورد هر موضوعی آگهی بنویسید.

۱۲

ساختن یک گفتگو

دیالوگ چیست؟
چگونه ساختار یافته است؟



دیالوگ، گفتگویی است
که بین دو یا چند نفر
انجام می‌شود.

برای مثال:

– سلام. حال تو چطور است؟
– سلام، من خوبم. حال تو چطور است؟

گفتگو

- گفتگو، ارتباط زنده، مکالمه است.
- دیالوگ گفته و شنیده می‌شود.
- بین ۲ نفر یا بیشتر رخ می‌دهد.
- سوالی پرسیده می‌شود.
- ایده یا تأیید یا تکذیب می‌شود.



توجه!

لازم است در طول گفتار
محاوره ای به شدت به
قوانین تلفظ پایبند باشید.

در دیالوگ‌ها استفاده می‌شود:

۱. کلمات و عباراتی با معانی واضح
۲. از جملات ساده و مختصر
۳. از جملات پرسشی و پاسخ‌های آنها
۴. از کلمات بله، نه
۵. از کلماتی که بیانگر جذابیت هستند



در دیالوگ‌ها، بسته به لحن جمله، در پایان جملات از نقطه، علامت سؤال و علامت تعجب استفاده می‌شود.

از علامت دو نقطه در انتهای سطر (بعد از گفتار نویسنده) و از خط تیره در ابتدای سطر (قبل از گفتار شخص) استفاده می‌شود.

انتخاب موضوع

می‌توانید در مورد یک موضوع آشنا گفتگو کنید:

- جلسه در مدرسه
- با دوستم می‌روم پارک
- در کتابخانه
- در سوپرمارکت

ویژگی‌های کلیدی دیالوگ:

- باید دوطرفه باشد،
- جملات باید با یکدیگر مطابقت داشته باشند؛
- باید از عبارات مودبانه استفاده شود؛
- گفتگوهایی باید انتخاب شوند که می‌توانند در زندگی واقعی اتفاق بیفتند.



- سلام مراد. درس‌های امروز چطور بود؟
- سلام، آیسل. خوب پیش رفت. ریاضی کمی سخت بود. چطورید، از درس‌ها راضی هستید؟
- درس زیست شناسی ما خیلی جالب بود. معلم درس را به خوبی توضیح داد.
- مراد، امروز بعد از مدرسه وقت آزاد داری؟
- بله، وجود دارد. چرا می‌پرسی؟
- فکر کنم بتوانیم یک قدمی در پارک بزنیم. هوا هم خوبست. ما همچنین در مورد درس‌هایمان بحث می‌کنیم.
- فکر خیلی خوبی است. بیا برویم.

میهن

۳

۱ متن را به صورت نقش بخوانید.

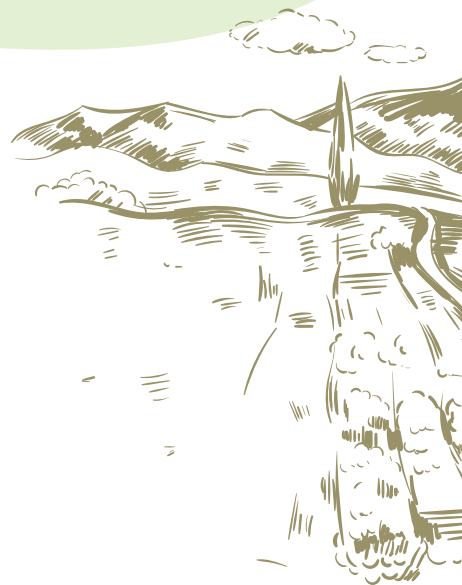
پادشاه بر تخت باشکوه خود نشسته بود. او خیلی باشکوه به نظر می‌رسید. درباریان با بی‌صبری فراوان منتظر صحبت‌های او بودند.

پادشاه از جایش بلند شد و با صدای بلند گفت:

— ما قطعاً ما در این نبرد پیروز شویم! ما باید همه هموطنان در بند خود را آزاد کنیم! این وظیفه ماست! سربازان زخمی ما نباید به دست دشمن بیفتند! ما باید دشمن را از سرزمین‌هایمان بیرون کنیم!

وزیر سخن گفت:

— جناب شاه! اگر جنگ را ادامه دهیم، ضررهای زیادی متحمل خواهیم شد. شاید باید یک وجب از زمین بی‌فایده‌مان را بدهیم؟ حداقل بقیه جمعیت ما زنده خواهند ماند. ما می‌توانیم آنها را نجات دهیم. شاه عصبانی بود.



– این چه حرفی است؟ یک فرد باید از میهن خود محافظت کند، حتی اگر به قیمت جان و خونش تمام شود. حتی یک وجب از خاک میهن هم نمی‌تواند وجود داشته باشد. اگر دست یا پایت را قطع کنیم یا یکی از چشمانت را کور کنیم چه؟ همانطور که آنها بخشی از وجود شما هستند، هر وجب از خاک، بخشی از خون، روح و روان میهن ماست! من آماده‌ام چشمانم، پاهایم و تمام وجودم را فدای ذره‌ای از خاک وطنم کنم!

یکی از وزرا با ترس گفت:

– باشد که شاه درود فرستد!

– مکالمه تمام شد! نمی‌خواهم هیچ اعتراضی در مورد این موضوع بشنوم! دعوا می‌شود!

۲ نظر خود را در مورد عنوان متن بیان کنید. آیا عنوان را دوست داشتید؟ متن را چگونه می‌نامید؟



۳ بر اساس متن، نمی‌توان گفت:

- الف) عشق به میهن در همه زمان‌ها وجود داشته است.
- ب) یکی از وزیران خائن و بزدل است.
- ج) حتی یک وجب از خاک میهن عزیز است.
- د) جوانشیر شجاع و مبارز است.
- ه) وزیران جنگ نمی‌خواهند تا متحمل ضرر نشوند.

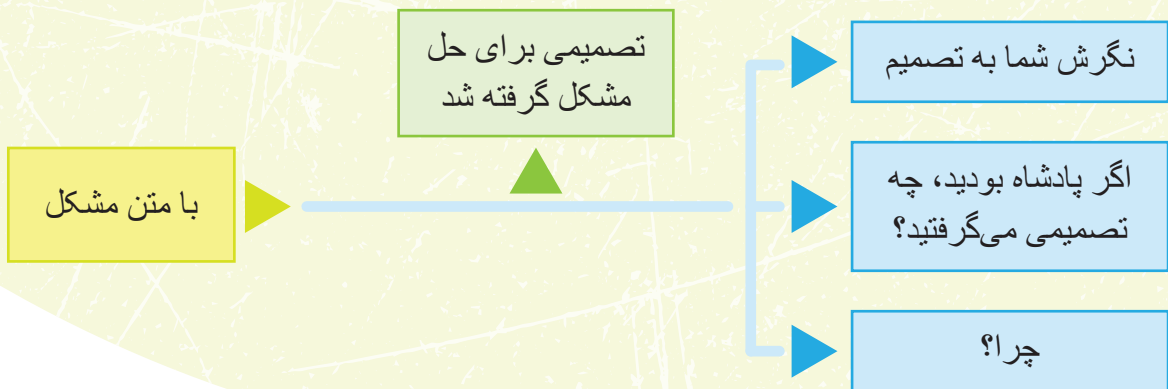
۴ کدام پاراگراف در متن را بیشتر دوست داشتید؟ چرا؟

۵ به نظر شما، آیا شاه در درخواست جنگ حق داشت؟ نظر خود را در مورد این سؤال بیان کنید.





۶ بر اساس طرح صحبت کنید.



۷ طرح را بر اساس متن کامل کنید.



۸ وقایع متن را به دوران مدرن ربط دهید و مقایسه کنید. در مورد نقش فرمانده کل قوا در تضمین پیروزی صحبت کنید.

یادت
باشد!



در زبان فارسی ترکیب‌های اضافه وجود دارد. اگرچه آنها با ترکیبات کلمات مورد استفاده در آذربایجانی مطابقت دارند، اما تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. برای مثال:

در زبان آذربایجانی	به زبان فارسی
işıqlı otaq	اتاق روشن (otaq-e rouşən)
məktəb müdiri	مدیر دبستان (modir-e dəbestan)
	همانطور که می‌بینیم در عبارات اضافه بعد از مضاف کسره (های ملفوظ بی تکیه) تلفظ می‌شود، اما نوشته نمی‌شود. به عبارات مختوم به واکه های "ا" و "و" همخوان "ی" اضافه می‌شود و مانند "یه" تلفظ می‌شود. دریای خزر (dərya-ye Xəzər) صدای موسیقی (seda-ye musiqi)
در زبان آذربایجانی در گروه واژه ابتدا مضاف الیه (صفت) (روشن، دبستان)، بعد مضاف (موصوف) (اتاق، مدیر) به کار می‌رود.	در زبان فارسی ابتدا مضاف (موصوف) (اتاق، دبستان)، بعد از آن مضاف الیه (صفت) می‌آید.

۹ چند قید از متن «میهن» انتخاب کنید.

۱۰ چند قید بسازید و آنها را در یک جمله به کار ببرید.

۱۱ بقیه متن را بر اساس تخیل خود بنویسید. برای این کار برنامه ریزی کنید.



قهرمان وقار

۴



وقار حسین اف



آیا در مورد وقار
چیزی شنیده‌اید؟



۱ متن را درست و رسا بخوانید.

۲۰ ژوئیه ۱۹۹۱... حمله بعدی ارمنی‌ها در سپیده دم آغاز شد. آنها با آتش توپخانه قدرتمند حمله‌ای را آغاز کردند. سپس تانک‌ها، خودروهای زرهی و مسلسل‌ها آتش گشودند.

پس از آماده‌سازی توپخانه، شبه‌نظامیان حمله‌ای را آغاز کردند. وقار به همراه رفقاییش در یکی از پست‌های مقدم بود. هر بار اجازه می‌دادند ارمنی‌ها نزدیک شوند، سپس آنها را با آتش دقیق می‌کشتند.

در طول روز، وقار و گروهش پنج بار حملات ارمنی‌ها را دفع کردند. اما ارمنی‌ها می‌خواستند به هر قیمتی این پست را تصرف کنند. شبه‌نظامیان ارمنی که دیدند آتش سنگر ضعیف شده است، دوباره پیشروی کردند.

با رسیدن به سنگر، دشمنان با آتش سنگین مواجه شدند. آنها لحظه‌ای سر در گم شدند. در آن لحظه، جنگجویان شجاع ما به جلو هجوم بردند و ضدحمله کردند.

پیروزی به دست آمد. با این حال گروه متحمل خسارات سنگینی شد: جنگجوی شجاع و نترس وقار حسین‌اف، در این نبرد قهرمانانه جان باخت.

به نظر شما سرباز سعی دارد
چه چیزی را به ما بگوید؟



۲ تصویر را توصیف کنید. محتوای تصویر چیست؟ از چه رنگ‌هایی استفاده شده است؟



۳ آیا محتوای تصویر و متن با هم همخوانی دارند؟

۴ اگر قرار بود تصویری مرتبط با متن بکشید، از چه رنگ‌ها و جزئیاتی استفاده می‌کردید؟



۵ به چه سوالی نمی‌توان در متن پاسخ داد؟

الف) هدف دشمنان چه بود؟

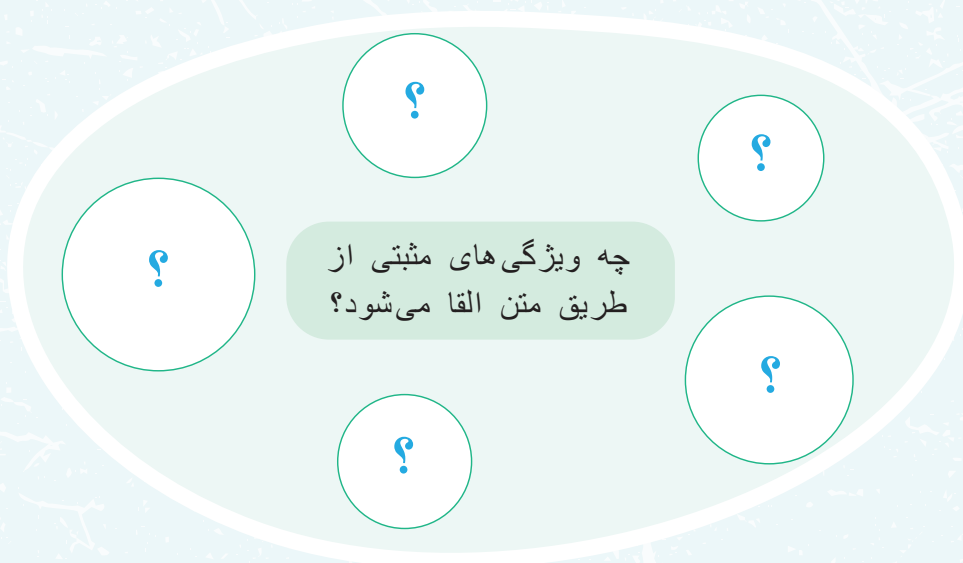
ب) چرا وقار مرد؟

ج) ارمنی‌ها می‌خواستند چه پستی را تصرف کنند؟

د) چند شبه‌نظامی ارمنی آنجا بودند؟

۶ چگونه می‌توانید این ایده را تأیید کنید که «وقار و دوستانش قهرمانان واقعی هستند»؟ از متن استفاده کنید.

۷ جدول را بر اساس متن کامل کنید.



۸ به نظر شما چه چیزی پیروزی وقار و دوستانش را تضمین کرد؟

۹ بر اساس متن چارچوب‌بندی شده در متن، یک گفتگو آماده کنید. ۳ سنوال، ۳ پاسخ کافی است.



یکی از سربازان پرسید:

— وقار، آیا دشمنان می‌آیند؟ چه باید کنیم؟

— ...

مثال:

کلمات مناسب را به جای نقطه‌ها اضافه کنید.

۱۰



شجاع، مستقل، میهن، پیروزی، قهرمانانه

آذربایجان کشور است. او پسران و دختران ... دارد که او را بسیار دوست دارند. وقار خیلی دوست داشت. او ... جان باخت. سربازان ما ... شدند.

پاسخ سوالات را بنویسید.

۱۱

ما که هستیم؟

شما که هستید؟

آنها که هستند؟

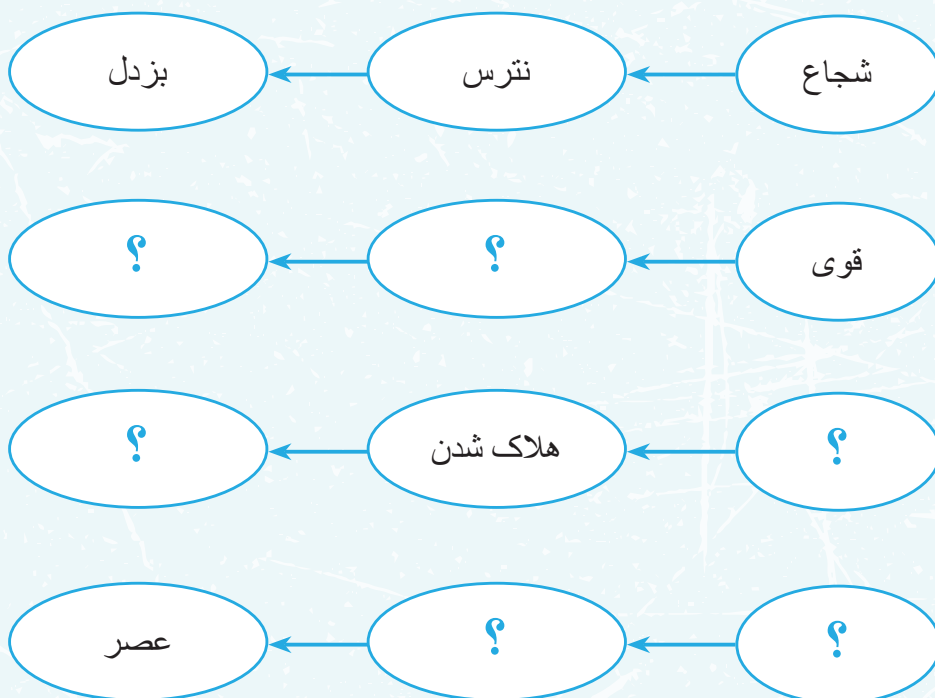
من که هستم؟

تو که هستی؟

او که است؟

طرح را بر اساس مثال کامل کنید.

۱۲



دوستی

۵

قبل از خواندن:

- به نظر شما متن در مورد چه چیزی خواهد بود؟
- آیا این تصویر می‌تواند به متن مربوط باشد؟



سه دوست در جنگل قدم می‌زدند. باد شدیدی که از دیروز وزیده بود، چندین درخت بزرگ را شکسته و آنها را به زمین انداخته بود.

یک درخت بلوط بزرگ در جاده افتاده بود. کمی دورتر از آن، دو درخت جوان کنار هم ایستاده بودند. این موضوع دوستان را بسیار متعجب کرد. باد شدید درخت بلوط بزرگ را به زمین انداخته بود، اما به دو درخت جوان و کوچک آسیبی نرسیده بود. آنها هیچ آسیبی ندیده بودند.

یکی از دوستان گفت:

— بیایید جلو برویم، ببینیم راز چیست؟



هر سه نفر خیلی به درختان نزدیک شدند و با دقت به ریشه‌های آنها نگاه کردند. دوستان دیدند که ریشه‌های این دو درخت محکم به یکدیگر متصل شده‌اند. یکی از دوستان به ریشه درختان اشاره کرد و گفت:

— می‌بینید، دوستی، مهربانی و رفاقت چه معنای بزرگی دارد! انسان هم همینطور است. مهم نیست چقدر قوی باشد، وقتی تنها بماند، می‌تواند به سرعت نابود و شکست بخورد. اما کسی که یک همراه و دوست قابل اعتماد دارد، همیشه بر دشمن خود پیروز می‌شود.

بعد از خواندن:

- آیا افکار و حدس‌های شما درست بود؟
- آیا محتوای تصویر و متن با هم مطابقت داشتند؟

بر اساس متن، می‌توان گفت:

۱



- الف) درختان باید نزدیک به یکدیگر کاشته شوند.
- ب) اتحاد قدرت است.
- ج) حتی اگر یک نفر تنها باشد، می‌تواند دشمن را شکست دهد.
- د) درخت بلوط افتاد زیرا پوسیده بود.

۲ جدول را بر اساس متن کامل کنید.

موضوع متن	...	تصاویر در متن	...
رویداد	...	مکان رویداد	...
ایده متن	...	زمان رویداد	...

۳ با توجه به متن، نمودار را کامل کنید.



۴ ضرب المثل ها را بازیابی کنید.

احتیاط	هیچ صدایی نمی آید.
مرد شجاع می میرد،	آن را درو خواهی کرد.
یک دست	نام باقی مانده است.
چه می کاری،	زیبایی افراد قوی است.

کدام یک از این ضرب المثل ها با ایده متن مطابقت دارد؟

تصاویر با کدام بخش از متن مطابقت دارند؟ جملاتی را از متن انتخاب کنید که با تصاویر مطابقت دارند و آنها را بگویید.

۵



با کلمات داده شده جمله بسازید.

۶



من، دوست، راه رفتن، رفتن، جنگل، درخت، زیاد، درختان، اکسیژن، دادن؛
کودکان، باغ، زیاد، گل، گیاه

به جای نقطه، حروف مناسب اضافه کنید.

۷

سبز... گل... ب... گ، در... تان سب...، جن...، گل...ار

با انتخاب یکی از موضوعات زیر، انشایی بنویسید.

۸

♦ «دوستی قدرت است»

♦ «بیایید از طبیعت مثالی بزنیم»

به املاي صحیح کلمات و جملات در نوشته خود توجه کنید.

برای نوشتن انشا برنامه ریزی کنید.

آماده‌سازی متن بر اساس تصاویر

۶

۱ برای نوشتن متنی بر اساس یک تصویر:

افراد، اشیاء، مکان‌ها، رویدادها و سایر نشانه‌ها

تصویر با دقت مشاهده می‌شود:

فهمیدن اینکه تصویر درباره چیست. یافتن پاسخ به این سؤال که «تصویر سعی دارد چه چیزی را به ما بگوید؟»

موضوع اصلی مشخص می‌شود:

مشخص کنید که رویداد چه زمانی و کجا رخ داده است

تعریف زمان و مکان

توصیف اینکه افراد حاضر در تصویر چه کسانی هستند، چه کاری انجام می‌دهند و احساساتشان چیست

توصیف شخصیت‌ها

نوشتن متنی شامل مقدمه، بدنه اصلی و نتیجه‌گیری بر اساس اطلاعات فوق

ایجاد توالی رویدادها

طرح



ارائه اطلاعات کلی در مورد تصویر

مقدمه

شرح مفصل وقایع در تصویر

بخش اصلی

پایان رویداد و ارائه یک نگرش شخصی

بخش نتیجه‌گیری



مثال برای ایجاد متن روی تصویر

مقدمه طبیعت گاهی به ما درس‌های زندگی می‌دهد. در تصویر، شاخه‌های دو درخت به یکدیگر می‌رسند. گویی به هم می‌رسند. ریشه‌های آنها در زیر زمین در هم تنیده شده است که نشان دهنده همبستگی و اتحاد است.

بخش اصلی مردم نیز وقتی به یکدیگر دست دراز می‌کنند، با هم قوی‌تر هستند. درختان نه تنها طبیعت هستند. آنها همچنین نمادهای دوستی و همکاری هستند. این درختان به ما نشان می‌دهند که حتی اگر متفاوت باشیم، می‌توانیم در مسائل مشترک متحد شویم.

نتیجه‌گیری این تصویر به ما یادآوری می‌کند که چقدر مهم است که با هم قوی باشیم و همکاری کنیم. هر چه بیشتر به یکدیگر کمک کنیم، قوی‌تر می‌شویم.

همچنین می‌توانید بر اساس موضوع، یک ارائه آماده کنید.

مثال



اسلاید ۱

وحدت در طبیعت

در این ارائه، من در مورد وحدت و همکاری بر اساس تصویر صحبت خواهم کرد.



اسلاید ۲

طبیعت به ما درس می‌دهد

طبیعت نه تنها زیبایی، بلکه خرد نیز هست.



اسلاید ۳

دو درخت، یک هدف

دو درخت به سمت یکدیگر متمایل هستند. شاخه‌ها با دستان خود به یکدیگر می‌رسند. و ریشه‌های آنها در زیر زمین در هم تنیده شده است.



اسلاید ۴

پیام به زبان طبیعت

دست دادن – دوستی و درک متقابل
درخت نمایانگر انسان است. ریشه‌ها اساس
وحدت هستند، ارتباط از ریشه



اسلاید ۵

ما با هم قوی هستیم

مردم از جهات مختلف با ارزش‌های مشترک
متحد می‌شوند. پایداری بدون همکاری غیرممکن
است. طبیعت هر روز این را به ما نشان می‌دهد.



اسلاید ۶

طبیعت هر روز این را به ما نشان می‌دهد.

یک درخت نمی‌تواند در برابر طوفان مقاومت
کند. اما یک جنگل قوی است. ما وقتی از
یکدیگر حمایت می‌کنیم قوی‌تر هستیم.





برای دیدن، برای یاد گرفتن...



۱. نگاه کردن، دیدن
۲. راز خوشبختی
۳. مسافر جیمز
۴. دختر کارگر نفت



نگاه کردن، دیدن

۱

همه چیز با یک توجه ساده شروع می شود. در واقع، توجه ریشه بزرگترین اختراعات و اکتشافات است.

برای مثال، نگاهی که به
درب کتری نگاه می کند،
همان نگاهی است که به
یک موتور بخار می بیند.

همه زمین را می بینند، اما این نیوتن بود که
نیروی جاذبه زمین را کشف کرد.



شما نمی توانید یک قورباغه را به یک
بار وصل کنید. اما گالوانی قدرت
پاهای آن را کشف کرد که سر آغاز
اختراع باتری های الکتریکی بود.

همه آب را می بینند، اما همه
نیروی شناوری در آب را
نمی بینند. ارشمیدس اولین کسی
بود که این را دید.



فلمنینگ، که پنی سیلین را کشف کرد، متوجه شد که میکروب ها در
اطراف کپک ها زندگی نمی کنند و داروی معروف خود را کشف کرد.
با این حال، تا آن زمان، میلیون ها نفر هم قورباغه و هم کپک را دیده
بودند.

علم دیرینه‌شناسی با یک صدف ساده که توسط لئوناردو داوینچی هنگام پیاده‌روی در آلپ پیدا شد، پایه‌گذاری شد.



این واقعیت که چوب در آب شناور می‌ماند، به ساخت قایق و کشتی کمک کرد.



حرکت عروس دریایی در آب منجر به توسعه موشک‌های جت شد.

فارادی، فیزیکدان مشهور انگلیسی، در کودکی شاگرد یک صحافی بود. روزی، هنگامی که فارادی مشغول صحافی دایره المعارف بریتانیکا بود، به موضوعی در مورد الکتریسیته برخورد. از همان روز به بعد، فارادی علاقه زیادی به علم پیدا کرد. این علاقه او را به یکی از بزرگترین دانشمندان زمان خود تبدیل کرد.

ساموئل براون می‌خواست پلی روی رودخانه توید بسازد. روزی در حیاط خانه‌اش تار عنکبوتی دید. حالا می‌دانست چطور از طناب‌ها و زنجیرهای آهنی یک پل معلق بسازد.

لازم بود یک لوله آب از زیر رودخانه کلاید عبور داده شود. روزی جیمز وات متوجه پوسته خرچنگی شد که سر سفره آورده شده بود. مشاهده و مطالعه او روی پوسته منجر به اختراع لوله آهنی شد.

مجله «خانواده من»



راز خوشبختی



متن را به صورت نقش بخوانید.

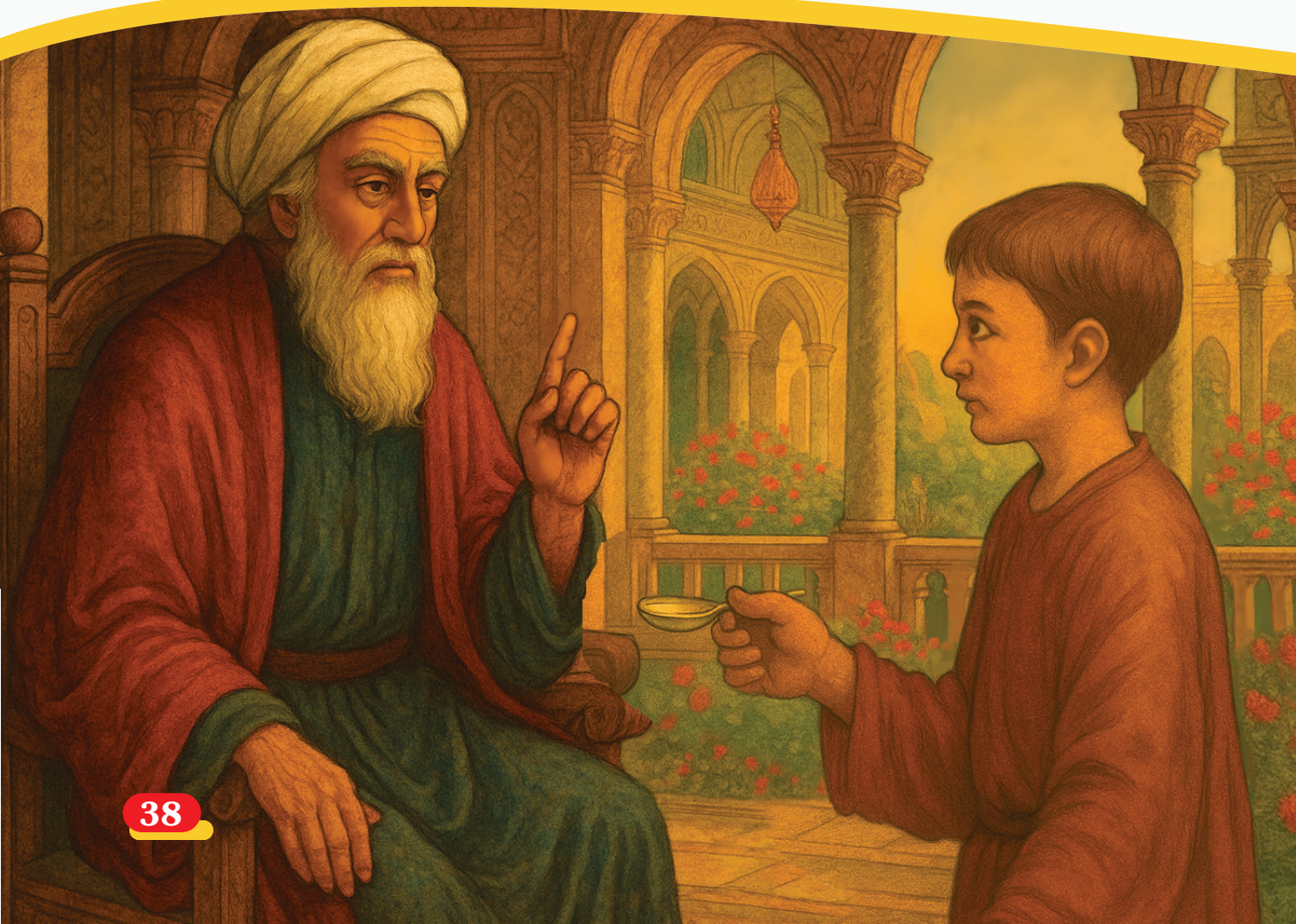


نجات از پدرش می‌پرسد:

— پدر، خوشبختی چیست

پدر پسرش را نزد داناترین فرد دنیا می‌فرستد تا راز خوشبختی را بیاموزد. نجات چهل روز سفر می‌کند و به قصری زیبا می‌رسد. فرد دانا اینجا زندگی می‌کند. نجات وارد می‌شود. پیرمرد دانا به نوبت با مردم صحبت می‌کرد. نجات باید منتظر نوبتش بماند. وقتی نوبتش می‌رسد، پیرمرد به او می‌گوید:

— الان وقت ندارم از تو پذیرایی کنم. اول در قصر قدم بزن، بعد پیش من بیا. این قاشق را با دو قطره روغن بدون اینکه بریزی با خودت ببر.



نجات موافقت می‌کند و شروع به قدم زدن در قصر می‌کند. سپس نزد پیرمرد خردمند برمی‌گردد.
می‌پرسد:

– آیا زیبایی‌های قصر را دیدی؟

نجات می‌گوید چیزی ندیده است. مرد خردمند نگاه می‌کند و می‌بیند که روغن هم نریخته است.
می‌گوید:

– دوباره برو و سعی کن زیبایی‌ها و نعمت‌های دنیا را ببینی.

نجات برای قدم زدن در قصر راه می‌افتد. این بار، بیشتر دقت می‌کند. او نوشته‌های حکیمانه روی دیوارها را می‌خواند و از زیبایی گل‌ها و شکوفه‌ها شگفت‌زده می‌شود.

سپس نزد پیرمرد برمی‌گردد. او هر آنچه را که دیده بود، یک به یک برایش تعریف می‌کند. مرد حکیم از پسر در مورد روغن داخل قاشق می‌پرسد. قاشق خالی بود. نجات روغن داخل قاشق را فراموش کرده بود.

مرد حکیم می‌گوید:

– پسر، من یک نصیحت برای تو دارم. راز خوشبختی این است که بتوانی تمام زیبایی‌های دنیا را ببینی. اما بدون فراموش کردن دو قطره روغن داخل قاشق...



۲ به نظر شما زیبایی چیست؟



۳ بر اساس متن، می‌توانیم بگوییم:

الف) بزرگسالان راهنما هستند.

ب) بزرگسالان فقط نصیحت می‌کنند.

ج) کودکان فقط باید از بزرگسالان یاد بگیرند.

د) کودکان بیشتر از کتاب‌ها یاد می‌گیرند.

۴ چرا پیرمرد خردمند راز خوشبختی را از قبل به پسر نمی‌گوید؟

۵ ویژگی‌های پدر و پیرمرد خردمند را شرح دهید.

پیرمرد خردمند

...
...
...

پدر

...
...
...

۶ کلمات را بر اساس توضیحات مشخص کنید.

توصیه‌هایی برای جلوگیری از اقدامات بد
داده شده است

؟

احساس رضایت و شادی شدید از زندگی

؟

۷ در جملاتی که با رنگ قرمز در متن آمده است، از چه علائم نگارشی باید استفاده شود؟

قانون

ما در گفتار خود از جملات مختلفی برای بیان نظر خود استفاده می‌کنیم. بعضی جملات اطلاعات مختلفی ارائه می‌دهند. در نوشتار، در پایان چنین جملاتی نقطه قرار می‌گیرد.

به عنوان مثال:

- وطن از هر چیزی عزیزتر است.
- من به وطن آمدم، من به ایمان آمدم.

بعضی جملات برای کسب اطلاعات در مورد یک رویداد یا شیء استفاده می‌شوند. در نوشتار، در پایان چنین جملاتی علامت سؤال قرار می‌گیرد.

به عنوان مثال:

- پدر چه گفت؟
- که با دوستانتان ملاقات خواهید کرد؟



جملات را کامل کنید.

۸



اگر تصمیمی گرفته
بودیم ...

ما

آن موقع تعجب
می‌کنیم...

آنگاه ما
شگفت‌زده می‌شویم
که...

آن وقت ما
خوشحالیم...

ما آنقدر خوشحالیم
که...



۹ بر اساس نمودار صحبت کنید و نظرات خود را اضافه کنید.



۱۰ در مورد تصاویر صحبت کنید. همچنین می‌توانید گفتگو داشته باشید.



طرح

۱. آنچه در تصاویر نشان داده شده است را بگویید.
۲. تصاویر را نام ببرید.
۳. رویدادها را نام ببرید.
۴. رنگ لباس‌ها را بگویید.



۱۱ علائم نگارشی صحیح را در انتهای جملات قرار دهید.

۱۱



۱. من در آذربایجان زندگی می‌کنم.
۲. این مکان کجاست.
۳. سرزمین مادری چیست.
۴. من یک داستان جالب خواندم.
۵. شما برنامه‌های کودک تماشا می‌کنید.
۶. کتاب مال من است.

۱۲ با انتخاب یکی از موضوعات زیر، یک انشا بنویسید (همچنین می‌توانید یک ارائه آماده کنید).

۱۲

- «من عاشق یادگیری هستم»
- «چگونه یاد می‌گیرم؟»

مسافر جیمز

متن را درست بخوانید.

۱

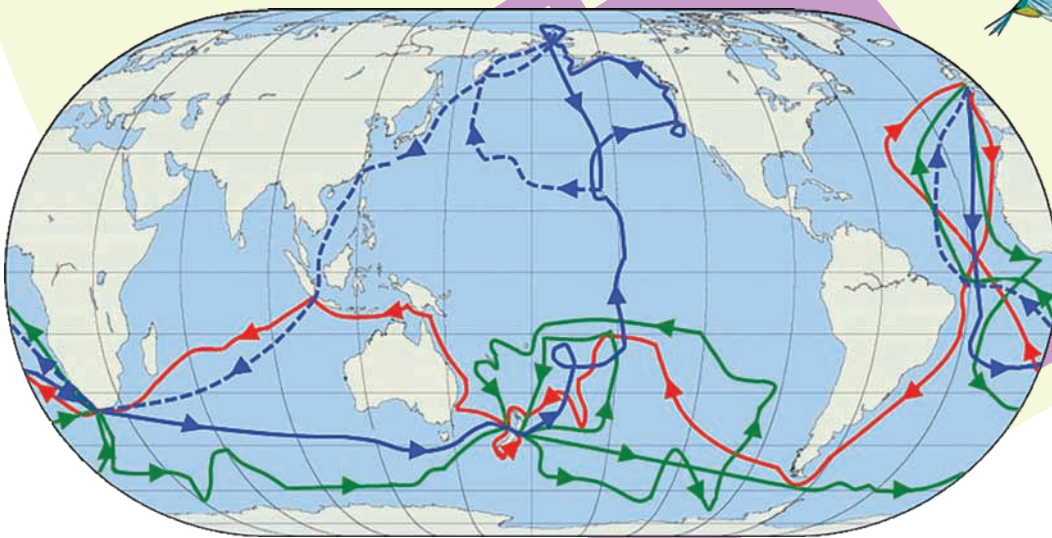
جیمز ۱۸ ساله بود. بزرگترین رویای او سفر دریایی بود. او به عنوان شاگرد در یک کشتی حامل زغال سنگ شروع به کار کرد. سال‌ها بعد، او کاپیتان کشتی شد. در سال ۱۷۶۸، جیمز کوک سفری را در اقیانوس آرام آغاز کرد. هدف او شناسایی سرزمین اصلی جنوبی بود. بریتانیایی‌ها معتقد بودند که سرزمین اصلی جنوبی را کشف کرده و ذخایر معدنی را پیدا خواهند کرد.

جیمز کوک با یک کشتی محکم به نام اینودور به این سفر رفت. او همچنین طبیعت‌گرایان، ستاره‌شناسان و دانشمندان محقق را به این سفر جذب کرد.

کوک سه سفر به دریاهای جنوبی انجام داد. در طول سفر، دانشمندان نقشه‌هایی را بر اساس سرزمین‌های تازه کشف شده تهیه کردند و از گونه‌های گیاهی جدید عکس گرفتند. آنها اطلاعات ارزشمندی در مورد مردمی که در جزایر اقیانوس آرام زندگی می‌کردند، جمع‌آوری کردند. جیمز کوک خود بارها با مردم محلی ملاقات و گفتگو کرد.

او با جمعیت بومی ساکن در جزایر با احترام رفتار می‌کرد.





سفرهای کوک



گوش دادن

سفر چه ویژگی‌هایی
را در افراد شکل
می‌دهد؟



بر اساس متن، می‌توانیم بگوییم:

۲



۱. جیمز جوانی با اراده بود.
۲. جیمز به اجبار به سفری می‌رفت.
۳. جیمز به طور جدی برای سفر آماده شده بود.
۴. جیمز مجبور بود اقیانوس هند را جستجو کند.

هدف سفر جیمز کوک چه بود؟

۳

چرا کوک طبیعت‌گرایان، ستاره‌شناسان و دانشمندان محقق را در سفر خود
دخیل کرد؟ او چگونه در طول سفر از دانشمندان استفاده کرد؟

۴

۵ اهداف سفر چیست؟

۶ بر اساس طرح صحبت کنید.



۱

اگر مسافر بودم،...

۲

اگر من یک طبیعت‌گرا
بودم، ...



۳

اگر من یک ستاره شناس
بودم، ...



۴

اگر من یک ملوان
بودم، ...





۲

جیمز کوک به سلامت سرنشینان کشتی توجه داشت. او مطمئن می‌شد که کلم ترش، پیاز، پرتقال و لیمو در کشتی موجود باشد. بنابراین، هیچ بیماری ناشی از کمبود ویتامین در میان خدمه کشتی که او رهبری می‌کرد، وجود نداشت.

جیمز کوک از همه می‌خواست که نظافت را رعایت کنند. او بررسی می‌کرد که ملوانان هر روز دست‌های خود را بشویند و بهداشت شخصی آنها را زیر نظر داشت. به نظافت کشتی توجه ویژه‌ای می‌شد.

به کسانی که قوانین را نقض می‌کردند، غذا داده نمی‌شد.

متن را درست بخوانید.

۱



بخش دوم متن درباره
موارد زیر صحبت
می‌کند:

بخش اول متن درباره
موارد زیر صحبت
می‌کند:

✓ بخش‌های متن چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

۲ حقایق و وقایع را در متن گروه بندی کنید.

حقایق

- ۱.
- ۲.
- ۳.

رویدادها

- ۱.
- ۲.
- ۳.

۳ آیا بخش داده شده باید در بخش اول یا بخش دوم متن قرار گیرد؟ چرا اینطور فکر می‌کنید؟

کوک در تمام طول سفر دریایی خود نزدیک به خشکی حرکت کرد تا بتواند نقشه دقیقی از آن ترسیم کند. او شرح بسیاری از جزایر اقیانوس آرام را ترسیم کرد. او جزایر هاوایی را کشف کرد. ج. کوک اولین مسافر اروپایی است که جزایر هاوایی را کشف کرد و قطب جنوب را دور زد.



۴ چرا کوک از خدمه کشتی خواست که قوانین بهداشت و نظافت را رعایت کنند؟

۵ چرا کوک غذای کشتی را با کلم ترش، پیاز، پرتقال و لیمو پر کرد؟ با استفاده از اطلاعات ارائه شده به این سؤال پاسخ دهید.



پیاز

پیاز سرشار از ویتامین C است. پیاز بدن را پاکسازی کرده و سموم مضر را از بین می‌برد.



لیمو

لیمو حاوی قند، مواد نیتروژنی، مواد معدنی، ویتامین‌های A، C، B₁، B₂، B₅، B₆، B₉ است. آب آن مواد سمی را از بدن دفع می‌کند و سیستم ایمنی بدن انسان را تقویت می‌کند.



نارنجی

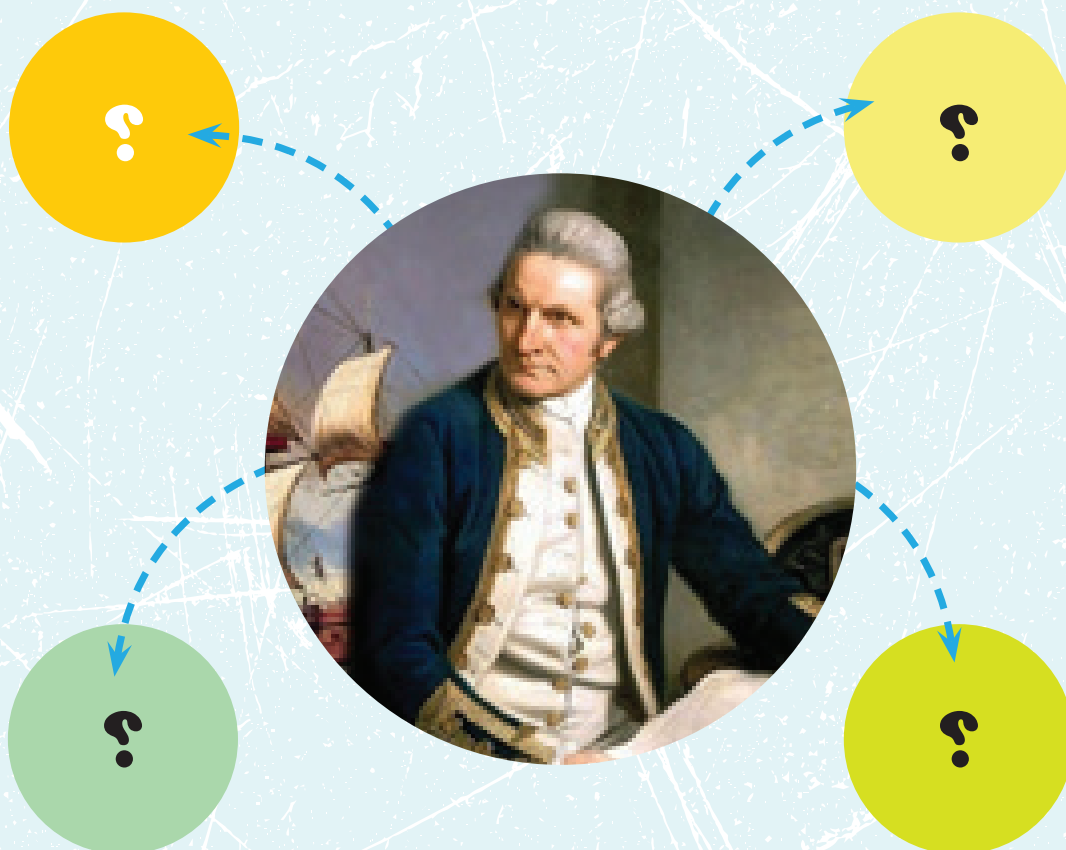
آب پرتقال سرشار از ویتامین C است و سیستم ایمنی بدن را تقویت می‌کند. خستگی را تسکین می‌دهد، رگ‌های خونی را تقویت می‌کند و باکتری‌ها را از بین می‌برد.



کلم

کلم یک سبزی سالم است. حاوی ویتامین‌های A، C، B می‌باشد. کلم میکروب‌های مضر را از بین می‌برد.

۶ بر اساس متن، ویژگی‌های کوک را بنویسید.



۷ خودتان را به عنوان یک کاپیتان دریایی تصور کنید که رویای کشف خود را در سر دارد. چه کار می‌کردید؟



۸ با کلمات داده شده جمله بسازید و بنویسید.



د...یا، سف ، غذ...، اقیان...س، ک...ف، تم...ز، پ...از ، ...یمار، پرتقا...، سلا...تی، ویر...س

۹ جملات را کامل کنید.

مختلف در اقیانوس زندگی می‌کنم.

من در یک کشتی در دریا هستم ...

دانشمندان نقشه‌ها را دیده‌اند

اقیانوس از ساخته شده است.

۱۰ با کلمات داده شده جمله بسازید.

مختلف، مکان‌ها، مسافر، سفر؛ دور، شنا، کاپیتان، سفرها؛ مراقب سلامتی باشید، جیمز، بمانید؛ کاپیتان، با غذا، کشتی، فراهم کردن

۱۱ یک انشای کوتاه با عنوان "من عاشق سفر هستم" بنویسید.



دختر کارگر نفت

۴

۱ متن را به صورت نقش بخوانید.

سودا دانش آموز بسیار خوبی در مدرسه بود.
مادرش می خواست او را به عنوان یک پزشک
آینده ببیند.

سال ها گذشت. جشن فارغ التحصیلی دبیرستان از
راه رسید. دانش آموزان کلاس یازدهم، قمر،
خواهر سودا را نیز به مدرسه دعوت کرده بودند.
قمر درباره زندگی کارگران نفت فراساحلی
صحبت کرد. آن روز، بسیاری نظرشان را تغییر
دادند و رویای کارگر نفت شدن را در سر
می پروراندند. عصر، سودا به مادرش گفت:

— مادر، من نمی خواهم وارد موسسه شوم.

مادر باور نمی کرد، کاری را که انجام می داد کنار
گذاشت و به دخترش نگاه کرد:

— چرا عزیزم؟

— می خواهم به میدان های نفتی، پیش قمر بروم.
قمر به گفتگو پیوست:

— مادر، حالا که میل و رغبت دارد، بگذار کار
کند. بد نیست که ما با هم باشیم.

اگرچه گفتگو مدت زیادی طول کشید، اما دخترها
مادرشان را متقاعد کردند.

(از س. ولی یف)





۲ بر اساس متن، می‌توانیم بگوییم:

۱. سودا می‌خواست مهندس شود.
۲. هر دو دختر اراده‌ی قوی دارند.
۳. قمر یک ملوان ماهر است.
۴. پزشکی حرفه‌ی جالب‌تری نسبت به دریانوردی است.

۳ متن نمی‌تواند به یکی از این سوالات پاسخ دهد:

- (الف) سودا در کدام مدرسه درس می‌خواند؟
- (ب) چرا اکثر بچه‌ها می‌خواستند ملوان شوند؟
- (ج) سودا چه آرزویی را به مادرش ابراز کرد؟
- (د) چرا خواهران نتوانستند مادرشان را متقاعد کنند؟

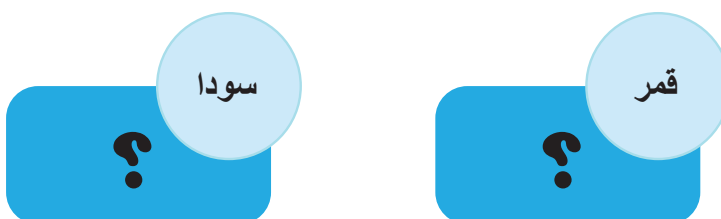
۴ نمودار را کامل کنید.

کدام جملات در متن نشان می‌دهد که قمر و سودا خواهر هستند؟ آن جملات را انتخاب کنید.



۵ به نظر شما چرا بیشتر بچه‌ها ملوان شدن را انتخاب می‌کنند؟

۶ بر اساس متن، ویژگی‌های سودا و قمری را بنویسید.

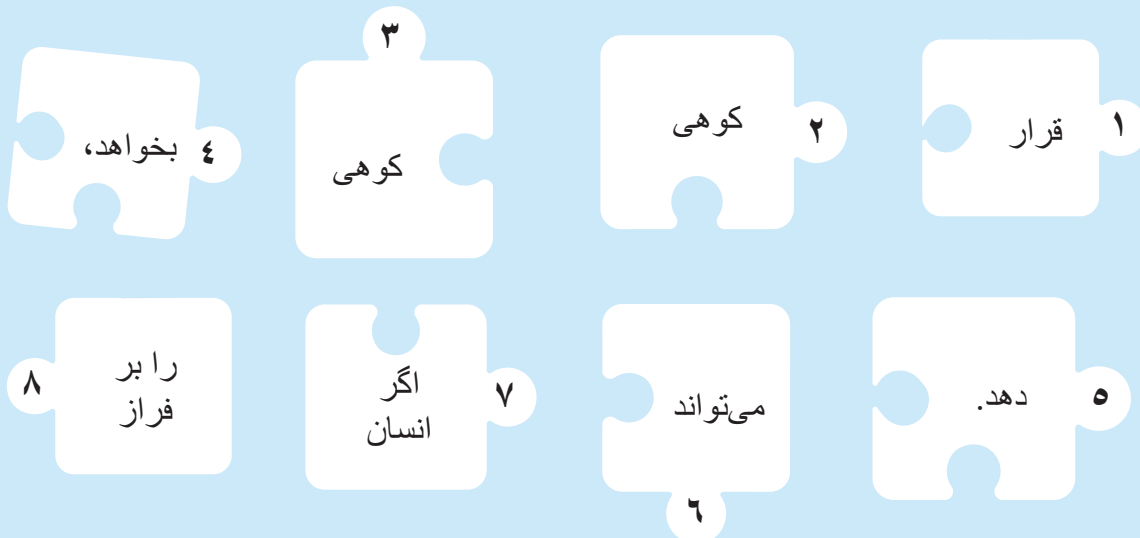


✓ به نظر شما ویژگی مشترک آنها چیست؟

۷ به نظر شما کودکان چه سئوالاتی می‌توانند از قمر بپرسند؟

۸ ایده اصلی را در متن پیدا کنید.

۹ با مرتب کردن پازل‌ها، ضرب‌المثل را پیدا کنید و معنی آن را توضیح دهید.



گوش دادن

به متن گوش دهید و به سئوالات پاسخ دهید.

۱. سنگ‌های نفتی کجا قرار دارند؟
۲. چرا سنگ‌های نفتی در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده‌اند؟
۳. سنگ‌های نفتی چگونه تشکیل شده‌اند؟

اگر جای سودا بودید، چگونه رفتار می‌کردید؟ آیا آرزوی مادرتان را برآورده می‌کردید یا از خواسته‌های خودتان پیروی می‌کردید؟

۱۰



درباره آرزوهایتان صحبت کنید

۱۱

جملات را کامل کنید.

۱۲



ما پزشک هستیم ...	من یک پزشک هستم ...
شما پزشک هستید ...	تو یک پزشک هستی ...
آنها پزشک هستند ...	او یک پزشک است ...

✓ کلمه **معلم** را هم به این شکل تغییر دهید.

چند جمله روایی و پرسشی از متن انتخاب کنید و بنویسید.

۱۳

جملات پرسشی	جملات روایی

تصور کنید که رویدادی در سنگ‌های نفتی برگزار خواهد شد. به عنوان مثال، کودکان یک برنامه کنسرت برای کارگران نفت آماده کرده‌اند. برای آن رویداد یک اطلاعیه تهیه کنید.

۱۴





چه خوب است، چه بد است؟



۱. ویژگی های مثبت
۲. اشتباه گلشن
۳. در یک روز بارانی
۴. آب چشمه
۵. آب تلخ
۶. نصیحت پدر

ویژگی های مثبت

۱

دوستان عزیز!
می‌خواهیم درباره یک شخص
جالب برایتان بگوییم!

آماده‌اید؟ پس
گوش کنید.



او در یک خانواده فقیر صنعتگر به دنیا آمد. پدرش به سختی با فروش صابون و شمع، خانواده بزرگ خود را اداره می‌کرد. به دلیل فقر، او حتی قادر به فراهم کردن زمینه تحصیل برای دهمین پسرش، بنجامین، نبود. اما اگر چه فرانکلین نتوانست تحصیل کند، اما به لطف سخت‌کوشی، پشتکار و از همه مهم‌تر، پیگیری مداوم هدفی که برای خود تعیین کرده بود، به موفقیت دست یافت. او در "زندگینامه خود" نوشت: "مطالعه تنها سرگرمی بود که به خودم اجازه می‌دادم. وقتم را با بازی یا سرگرمی‌های دیگر تلف نمی‌کردم."



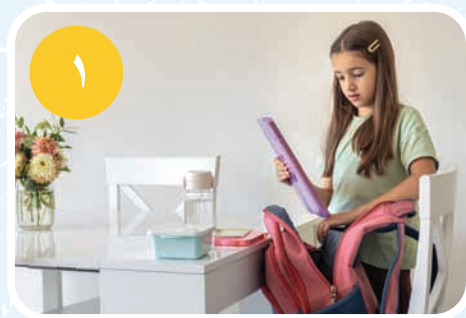
او بنیانگذار اولین کتابخانه عمومی در ایالات متحده و اولین اداره آتش نشانی در پنسیلوانیا است.

بی. فرانکلین به جوانانی که می‌خواستند موفق شوند، توصیه و نصیحت می‌کرد و آنها را به زندگی درست و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی ترغیب می‌کرد.



خویشتن‌داری -

در مورد همه چیز هیجان‌زده نشوید، تا جایی که می‌توانید احساس رنجش خود را کنترل کنید.



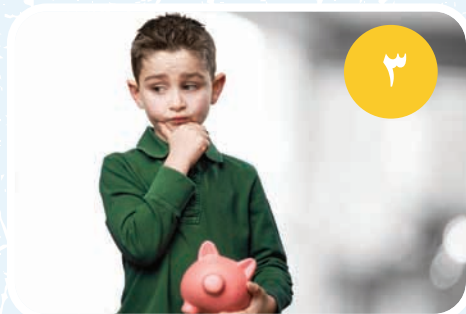
نظم و انضباط -

وسایل شخصی را در یک مکان مشخص نگه دارید و برای هر فعالیت زمان مشخصی را اختصاص دهید.



پاکیزگی -

هم در لباس و هم در خانه خود پاکیزگی را حفظ کنید.



صرفه‌جویی -

از اسراف و تبذیر پرهیز کنید، پول خود را با صرفه‌جویی برای چیزهای ضروری خرج کنید.

برای انجام نظرسنجی برنامه ریزی کنید.

۱. با کمک معلم خود سئوالاتی را طرح کنید.
۲. از همکلاسی‌های خود سؤال بپرسید.
۳. پاسخ‌های خود را خلاصه کنید.
۴. نتایج را ارائه دهید.



استعلام:

در مورد مطالعه،
از همسالان خود
نظرسنجی کنید.



ما سوالات مربوط به انجام نظرسنجی را ارائه می‌دهیم
(شما همچنین می‌توانید سوالات مختلفی را مطرح کنید):

پاسخ‌های تقریبی می‌توانند این‌ها باشند:

- ♦ من با کامپیوتر بازی می‌کنم.
- ♦ من کتاب می‌خوانم.
- ♦ من نقاشی می‌کنم.

۱. در اوقات فراغت
خود چه می‌کنید؟

۲. چه کتاب‌هایی را
ترجیح می‌دهید؟

۳. چرا کتاب
می‌خوانیم؟





نتیجه‌گیری

در نتیجه این نظرسنجی، مشخص شد که بیشتر همسالان ما وقت آزاد خود را صرف خواندن کتاب (بازی‌های کامپیوتری) می‌کنند. کودکان ترجیح می‌دهند کتاب‌هایی با موضوعات فانتزی (بازی‌های کامپیوتری) بخوانند.

در پاسخ به سؤال «چرا کتاب می‌خوانیم؟» اکثر کودکان پاسخ دادند «برای نتیجه‌گیری». بخش کوچکی از دانش‌آموزان – ۵ نفر – پاسخ دادند «برای کسب دانش».

بنابراین، دانش‌آموزان مزایای خواندن کتاب را درک می‌کنند و بنابراین مطالعه را ترجیح می‌دهند.

اشتباه گلشن

۱ متن را به صورت نقش بخوانید.



کلاس‌ها تازه شروع شده بود. همه در کلاس یک دوست پیدا کرده بودند و کنار او نشسته بودند. گلشن و نازلی پشت یکی از میزهای عقب نشسته بودند. گلشن از همکلاسی‌هایش کوتاه‌تر بود. تخته را خوب نمی‌دید و اغلب وقتی چیزی می‌نوشت، بلند می‌شد و نگاه می‌کرد. این موضوع از چشم معلم دور نماند.

او گفت:

– گلشن، دخترم، بیا و پشت میز جلو، کنار القار بنشین.

گلشن با اکراه کفش را برداشت و جلو آمد. زیر لب غرغر کرد، اما اصلاً اینجا را دوست نداشت.

القار به لبه میز رفت تا به همسایه جدیدش آسیبی نرساند. با این حال، وقتی خم شد و کتابش را برداشت، بازویش به گلشن برخورد کرد. گلشن انگار انتظار این را داشت، با عصبانیت فریاد زد:





— برو آنجا، به بازوی من دست زن.

روز بعد، دست القار دوباره به دفترچه‌اش خورد.

این بار گلشن کاملاً از کوره در رفت و میز را با گچ به دو قسمت تقسیم کرد.

معلم داشت دفترچه‌های جدید دانش‌آموزان را جمع می‌کرد. گلشن دفترچه‌ای نداشت. القار دفترچه‌ای از کیفش بیرون آورد و جلوی گلشن گذاشت.

گلشن با خجالت به او نگاه کرد و با یک تکه کاغذ، خط سفید روی میز را خط زد.

خالده حاصلووا



۲ به نظر شما این وقایع در چه ماهی اتفاق می‌افتند؟ از کدام جمله در متن می‌توانید برای پشتیبانی از نظر خود استفاده کنید؟



۳ به نظر شما، اشتباه گلشن چه بود؟ آیا آن را یک اشتباه می‌دانید؟ آیا شما با حادثه مشابهی روبرو شده‌اید؟ آیا خودتان تا به حال چنین کاری انجام داده‌اید؟

۴ بر اساس متن، یک درخت داستان بسازید.



۵ چرا گلشن خط‌گچی را روی میز پاک کرد؟

چون گلشن فهمید
که او بی‌ادب است

۲

چون القار به او دفترچه
یادداشت داد؛

۱

✓ پاسخی را که انتخاب کرده‌اید، توضیح دهید.

۶ به سوالات پاسخ دهید:

کدام رویداد شخصیت القار را آشکار می‌کند؟

کدام رویداد به گلشن کمک می‌کند تا به اشتباهش پی ببرد؟

به نظر شما گلشن در مرحله بعد چگونه عمل خواهد کرد؟

۷ جایگزین صحیح‌تر برای عبارت زیر خط‌دار در متن چیست؟

الف) یک همکلاسی

ب) معلم

ج) یک دانش‌آموز جدید

۸ کدام ضرب المثل با ایده متن مطابقت دارد؟

۱. کاری را که بعداً پشیمان خواهی شد، انجام نده.
۲. آنچه را که می‌شنوی باور نکن، آنچه را که می‌بینی باور کن.
۳. صد بسنج، یکی را درو کن.
۴. آب جاری می‌شود، سوراخ خودش را پیدا می‌کند.
۵. خوب است که از نصف ضرر برگردی.

گوش دادن



۹ به شعر گوش دهید و وظایف را انجام دهید:

✓ محتوای شعر را به فارسی ارائه دهید؛
 ✓ ثابت کنید که تصویر با محتوای شعر مطابقت دارد.



متن‌هایی را که گوش داده‌اید و خوانده‌اید، با هم مقایسه کنید و جدول را کامل کنید. 

کودکی که گچ را در شعر «دلارا» پاک می‌کند	القار در متن «اشتباه گلشن»	
	۱.	شباهت‌ها
	۲.	

۱۱ با توجه به متن، نمودار را کامل کنید.



۲

در متن مورد
انتقاد قرار گرفته
است

۱

در متن تبلیغ
شده

۱۲ از کلمات داده شده جمله بسازید.



معلم، درس، توضیح، جدید؛ درس، تکرار، دانش‌آموزان؛ رویداد، جالب، مدرسه،
برگزار شده؛ کودک، آماده کردن، هواپیما، مدل؛ تشویق، این، کودکان، برای.

۱۳ با انتخاب یکی از موضوعات زیر، انشایی بنویسید.

نگرش من به شخصیت گلشن

نگرش من به شخصیت القار

۱۴ در مورد هر موضوعی، یک اطلاعیه کوچک تهیه کنید.



در یک روز بارانی

قبل از خواندن

یکی از جملات داده شده را انتخاب کنید و بگویید متن در مورد چه چیزی صحبت خواهد کرد.



درباره احساس
مسئولیت



درباره بسیاری از
کودکان که به دلیل باران
به مدرسه نمی آیند



درباره پاییز



مدرسه تعطیل شد. کلاس ششمی ها کیف هایشان را برداشتند و به خانه رفتند. مسیر فکر و راسم از میان پارک بود. وقتی فکر به درب خانه شان رسید و می خواست برود، راسم به او گفت:

– فکر، کتاب جبرت را به من بده، من تکالیف را حل می کنم و عصر برمی گردانم.

فکرت با تعجب از راسم پرسید:

– کتاب خودت کجاست؟

– خواهر کوچک ترش سه صفحه از کتاب را پاره کرد. مثال هایی که معلم امروز زده بود در آن صفحه است.

فکرت به راسم نگاه کرد و گفت:

— آخرش، من هم عصر مثال‌ها را حل می‌کنم.

راسم به دوستش اطمینان داد که به محض اینکه تکلیف را حل کند، کتاب را برایش می‌آورد.

فکرت دیگر حرفی نزد. کتاب جبر را به راسم داد و با دلی پر از تاسف به خانه رفت.

راسم به خانه آمد و شام خورد. سپس کتاب جبرش را باز کرد و شروع به حل مثال‌ها کرد. راسم آنقدر غرق در درس‌هایش بود که متوجه باران شدید بیرون نشد. ناگهان صدای رعد و برق شنید. از پنجره به حیاط نگاه کرد. بیرون، انگار رودخانه بزرگی جاری بود.

باران تا عصر بند نیامد. حال راسم خراب بود. نمی‌خواست جلوی فکرت دروغگو باشد. شنلش را پوشید، کتاب را برداشت و به مادر بزرگش گفت:

— مادر بزرگ، الان برمی‌گردم.

— اوه، فرزندم، توی این باران کجا می‌روی؟

— کتاب دوستم را می‌برم.

— مادر بزرگش نمی‌خواست او را رها کند:

— چه داری می‌گویی؟ توی این طوفان کجا می‌روی؟

توی خانه بمان و فردا کتاب را به دوستت برمی‌گردانی.

راسم به مادر بزرگش گفت:

— ...

به نظر شما راسم چه خواهد کرد؟

- او به حرف مادر بزرگش گوش خواهد داد؛
- او کتاب را خواهد گرفت و به فکرت پس خواهد داد.

در این شرایط
چگونه عمل
خواهید کرد؟



- ۱ آیا با عنوان متن موافقت می‌کنید؟ چه اسمی برای آن انتخاب می‌کنید؟ چرا؟
- ۲ چرا مادر بزرگ نمی‌خواست راسم را رها کند؟
- ۳ آیا فکر می‌کنید پاره کردن کتاب خواهرش توسط راسم به دلیل بی‌احتیاطی یا بی‌مسئولیتی بوده است؟
- ۴ اگر راسم کتاب را نمی‌گرفت چه اتفاقی می‌افتاد؟
- ۵ شخصیت‌های فکرت و القار ("اشتباه گلشن") را مشخص کنید. به نظر شما چه شباهتی بین آنها وجود دارد؟

بحث و گفتگو.

از بیرون به خود نگاه کن
و خودت را ارزیابی کن!

آیا مسئولیت خود را در
قبال والدینتان در خانواده
و معلمان در مدرسه درک
می‌کنید؟

برای روشن شدن این موضوع،
به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- آیا کارهای والدینتان را انجام می‌دهید؟
- آیا در ساعتی که والدینتان به شما می‌گویند در خانه می‌مانید؟
- آیا به والدین و خواهر و برادرهایتان احترام می‌گذارید؟

در خانه

روی کدام یک از این زمینه‌ها
باید کار کنید؟

پاسخ‌هایتان را خلاصه کنید و
در مورد آنها فکر کنید:

در مدرسه

- آیا تکالیف معلم خود را به موقع انجام می‌دهید؟
- آیا در کلاس‌هایتان تلاش می‌کنید تا خوب درس بخوانید؟
- آیا از خواندن و تحقیق لذت می‌برید؟

پاسخ‌هایتان را خلاصه کنید
و در مورد آنها فکر کنید:

روی کدام یک از این زمینه‌ها
باید کار کنید؟

- آیا با والدین و معلمان خود صادق هستید؟
 - آیا آنها شما را به عنوان یک فرد قابل اعتماد می‌شناسند؟
- ✓ در کدام یک از این زمینه‌ها نیاز به کار دارید؟

افکار خود را خلاصه
کنید و به سؤالات
پاسخ دهید:

برای مسئولیت‌پذیرتر شدن چه باید کرد؟

چه در خانواده و چه در مدرسه:

- مسئولیت‌پذیری به چه معناست؟
- آیا من فرد مسئولیت‌پذیری هستم؟
- چرا مسئولیت‌پذیری مهم است؟

به این نتیجه رسیدم که ... هم پدر و مادر و هم معلمانم ... من در خانواده ... آنچه را که به عنوان یک کودک از من خواسته می‌شود ... آنچه معلمان مدرسه ... آنچه را که به عنوان یک دانش‌آموز از من خواسته می‌شود ... دریافت کردم زیرا آنچه در آینده آموختم ... مسئولیت در قبال خانواده و مدرسه ... به معنای ... است.

به نظر شما چه احساسی در
راسم قوی‌ترین است؟

۶

به شعر گوش دهید و وظایف را انجام دهید:

۷



طرح:

۱. یک موضوع انتخاب کنید. (برای مثال، فرض کنید قصد دارید به سینما بروید. آن روز باران می‌بارد. چگونه دیالوگ را حول این موضوع ساختار می‌دهید؟)
۲. از کلمات مودبانه استفاده کنید.
۳. برای اپراها نامی در نظر بگیرید.

یکی از آنها توضیح کلمه طوفان است.

۸



قانون

جملات پرسشی آهنگ خاصی دارند. این جملات برای یادگیری برخی اطلاعات استفاده می‌شوند.



آیا این یک کامپیوتر است؟
آیا این یک مادر است؟

آیا این یک کتاب است؟
آیا این یک پدر است؟

این چیست؟
این کیست؟

پاسخ به سوالات

اگر پاسخ مثبت باشد، کلمه «بله» به ابتدای جمله اضافه می‌شود.

آیا این یک خودکار است؟
بله، این یک خودکار است.

اگر پاسخ منفی باشد، کلمه «نه» به ابتدای جمله اضافه می‌شود.

آیا این یک کتاب است؟
نه، این یک کتاب نیست.

جملات را به زبان آذربایجانی ترجمه کنید.

۹



آیا این یک مدرسه است؟ بله، این یک مدرسه است. نه، این یک مدرسه نیست، یک کتابخانه است.

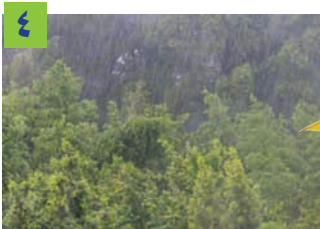
آیا هوا روشن است؟ نه، هوا روشن نیست.

آیا این یک مادر بزرگ است؟ بله، این یک مادر بزرگ است.

آیا این راسم است؟ بله، این راسم است؟ نه، این راسم نیست، بلکه فکر است؟

اطلاعات مربوط به تصاویر را طبق جدول به درستی بنویسید.

۱۰



۴



۳



۲



۵



۶



۱

کجا استفاده می‌شود؟

برای چه کاری استفاده می‌شود؟

چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

✓ خودتان چنین مثال‌هایی بنویسید.

آب چشمه

۴

قبل از خواندن:

به نظر شما متن در مورد چه چیزی صحبت خواهد کرد؟



متن را درست بخوانید.

۱

مادر ریحان داشت لباس می‌شست. ناگهان آب تمام شد. دستانش صابونی بود. ریحان را صدا زد:

– ریحان، آی ریحان!

ریحان در میان بوته‌های تمشک آن طرف نرده بود. داشت تمشک می‌خورد. با شنیدن صدای مادرش، با تنبلی جواب داد:

– من اینجا هستم ای مادر چه می‌گویی؟

مادرش صدای دختر را شنید و دوباره صدا زد:

– دخترم، زود باش، بیا اینجا! با تو کاری دارم.

بعد از مدتی، ریحان در حالی که دامنش را با هر دو دست گرفته بود وارد حیاط شد. مادرش او را دید و گفت:



– دخترم، دستانم صابونی است.
برو و یک سطل آب از چشمه
برای من بیاور.

– مادر، می‌بینی که دستانم هم
کثیف است، – ریحان پاسخ
داد.

مادرش کلمه‌ای نگفت. دستانش
را پاک کرد، سطل‌ها را
برداشت و به سمت چشمه رفت.
چشمه خیلی دور نبود.

وقتی مادر ریحان با سطل‌های پر از
آب از چشمه برگشت، گروهی از
دختران مدرسه‌ای او را محاصره کردند. آنها
سطل‌ها را به زور از دست او گرفتند و راه افتادند.

همانطور که دخترها دنبالش می‌رفتند، زن با خوشحالی به آنها نگاه می‌کرد، اما وقتی جواب ریحان
را به یاد آورد، چهره‌اش جدی شد.

وقتی دخترها وارد حیاط شدند، ریحان روی تاب تاب می‌خورد. وقتی دخترها را دید، پرسید چه
شده است. دخترها چیزی به او نگفتند. آنها آب را داخل یک سطل خالی کردند و به سمت چشمه
برگشتند.

ریحان به مادرش و سپس به دخترها نگاه کرد. از تاب افتاد. یک سطل خالی برداشت و به سرعت
دنبال دخترها دوید.

بعد از خواندن:

آیا فرضیات شما درست بود؟
چه چیزی متفاوت بود؟





آیا با حادثه مشابهی مواجه شده‌اید؟ در این مورد چگونه عمل کردید؟

۲



بر اساس متن مشخص کنید که وقایع در کجا رخ داده‌اند. پاسخ خود را اثبات کنید.

۳

الف. در شهر

ب. در روستا

چرا مادر تنها به چشمه رفت؟

۴

نگرش خود را نسبت به عمل ریحان بیان کنید.

۵

بر اساس طرح صحبت کنید.

۶



در پایان داستان

ریحان

در آغاز داستان

باعث تغییر شدن

تصاویر داده شده به کدام بخش از متن مربوط می‌شوند؟

۷



از چه رنگ‌هایی در تصاویر استفاده شده است؟



آیا تصاویر را دوست داشتید؟ چرا؟



بر اساس هر تصویری که دوست دارید، یک متن کوتاه بنویسید.



۸ چه ایده‌ای از طریق متن منتقل می‌شود؟

۹ ضرب‌المثل‌ها را بازیابی کنید.

باشد که او به شما
حکمت بیاموزد.

الف

اگر به من احترام
بگذاری،

مورد احترام قرار
خواهید گرفت.

ب

ذهن

در بازار فروخته
نشده است.

ج

او به تنبل‌ها دستور کار
می‌دهد،

✓ کدام ضرب‌المثل با محتوای متن مطابقت دارد؟

۱۰ گفتگو با موضوع "من به مادرم کمک می‌کنم" داشته باشید.



علائم نگارشی صحیح را در انتهای جملات قرار دهید. نوع جمله را بنویسید.

۱۱



مادر داشت چه کار می‌کرد

ریحان داشت تمشک می‌خورد

دخترها به مادرشان کمک کردند

چرا ریحان دنبال دخترها رفت

۳ جمله سوالی در مورد متن بنویسید و پاسخ‌هایی به شکل‌های مختلف برای آنها آماده کنید.

۱۲

مثال



– ریحان، می‌توانی آب بیاوری؟

پاسخ‌ها:

بله، مادر جان آب می‌آورم.

بله، مادر جان آن را می‌آورم.

– من آن را می‌آورم.

– من که نمیتوانم آن را بیاورم.

– نه (خیر).



آب تلخ

۵

۱ متن را به صورت نقش بخوانید. سعی کنید گفتار شخصیت‌ها را به درستی ارائه دهید.

روز گرمی بود. واقف و رامز از ساحل دریای خزر برمی‌گشتند. همین که به باغ‌ها نزدیک شدند، به پیرزنی برخوردند که سطل آبی را حمل می‌کرد. برای این پیرزن راه رفتن روی شن‌ها بسیار دشوار بود. او چند قدم برمی‌داشت و استراحت می‌کرد، سپس دوباره سطل را برمی‌داشت و آرام آرام راه می‌رفت.

با دیدن این صحنه، واقف گفت:

— ایست، به کمک نیاز دارد.





رامز اعتراض کرد:

– برویم. خودش آن را می‌برد.

واقف حرف‌های او را نادیده گرفت و به سرعت به سمت پیرزن دوید. او سطل را برداشت و به خانه برد.

چند روز بعد، رامز به همراه دوستش کریم از دریا برمی‌گشت. او از گرما عرق کرده بود و تشنه بود. هنوز راه زیادی تا خانه داشتند. رامز به حیاط مجاور رفت و صاحب خانه را صدا زد. دختر کوچکی به بالکن آمد. رامز آب خواست. پس از مدتی، پیرزن در حالی که یک تنگ و یک لیوان در دست داشت، بیرون آمد. او زنی را که چند روز پیش با واقف ملاقات کرده بود، شناخت. می‌خواست برگردد. پیرزن لیوان را پر کرد، به رامز داد و با مهربانی گفت:

– بنوش، فرزندم!

رامز خجالت کشید و نمی‌دانست چه کار کند. آب را نوشید، موافقت کرد و به سرعت از حیاط خارج شد، اما به نظرش رسید که آب تلخ است.



۲ به نظر شما وقایع متن در کدام فصل اتفاق می‌افتد؟ جملات مناسب را از متن انتخاب کنید و نظر خود را اثبات کنید.

۳ چرا نام این متن «آب تلخ» است؟ شما آن را چه می‌نامید؟

۴ تصاویر را توصیف کنید.

واقف	رامز
۱. ...	۱. ...
۲. ...	۲. ...
۳. ...	۳. ...

۵ چرا طعم آب برای رامز تلخ بود؟

۶ رامز در صحبت‌هایش از چه عبارت بی‌ادبانه‌ای استفاده می‌کند؟

۷ ویژگی‌های مثبت و منفی را بر اساس متن فهرست کنید.

-	+
...	...

۸ ایده متن را مشخص کنید.

۹ اگر کریم از کارهای رامز خبر داشت، چه واکنشی نشان می‌داد؟



۱۰ اگر واقف در آن لحظه با رامز بود، فکر می‌کنید واقف به او چه می‌گفت؟

متن را تغییر دهید.

۱۱



برای تغییر متن:

- رویداد را تغییر دهید (مثلاً دوستان شاهد یک رویداد جالب هستند)؛
- تصاویر را نگه دارید.

توجه داشته باشید.

- می‌توانید تصاویر اضافی ایجاد کنید؛
- می‌توانید زمان رویدادها را تغییر دهید؛
- می‌توانید مکانی را که رویدادها در آن رخ می‌دهند تغییر دهید.



نصیحت پدر

۱ متن را به صورت نقش بخوانید. سعی کنید سخنرانی پدر را به درستی ارائه دهید.

الدار ذاتاً پسر بسیار بی ادبی بود. او اغلب با دوستانش بحث می کرد، آنها را آزار می داد و احساساتشان را جریحه دار می کرد. او نمی توانست از شر این شخصیت خلاص شود. روزی پدرش او را صدا زد، کیسه ای پر از میخ و یک تکه چوب به او داد و گفت:

– پسر، اینها را بگیر. برای هر روزی که با دوستانتان بحث کردی و آنها را آزار دادی، یک میخ به این تخته بکوب.

روز اول الدار ۱۱ میخ به تخته کوبید. این تعداد خیلی زیاد بود. در روزهای بعد، او سعی کرد خودش را بهتر کنترل کند و با همکلاسی هایش مهربان باشد. تعداد میخ هایی که به تخته می کوبید روز به روز کمتر می شد. سرانجام روزی رسید که الدار مجبور نبود هیچ میخی به تخته بکوبد. او پیش پدرش رفت، تخته را به او نشان داد و گفت که دیگر هرگز به کسی آسیبی نرسانده است. پدرش به تخته نگاه می کند و لبخند می زند و به الدار می گوید:

– خوب پسر، از این به بعد، به ازای هر روزی که بحث نکنی، یک میخ از تخته بیرون می کشی.

روزها می گذرد. یک روز، الدار می بیند که تمام میخ های تخته از بین رفته اند. او خوشحال است. این بار، وقتی تخته را نشان می دهد، پدرش سرش را نوازش می کند و می گوید:

– آفرین پسر! تو موفق به انجام آن شدی. می بینی چند سوراخ روی آن وجود دارد؟ دیگر هرگز مثل قبل نخواهد شد. وقتی با دوستان بحث می کنی، حرف های ناخوشایند نزن.



چنین حرف‌هایی قلب دوست تو را جریحه‌دار می‌کند و او را رنج می‌دهد. تو پسر خیلی خوبی هستی، الدار. حتی اگر بارها عذرخواهی کنی، حتی اگر دوستت بگوید "تو را می‌بخشم"، آن زخم هرگز خوب نمی‌شود. درست مثل روی این تخته. جای زخم کلمات همیشه باقی می‌ماند. الدار، یک دوست مثل یک سنگ قیمتی کمیاب است. سعی کن او را از دست ندهی. او در لحظات سخت زندگی با تو خواهد بود و هرگز تو را ترک نخواهد کرد. اگر برای دوستانان ارزش قائل باشید و آنها را گرمی بدارید، هرگز در زندگی تنها نخواهید بود.



جدول را با استفاده از دستورالعمل‌های داده شده در متن کامل کنید.

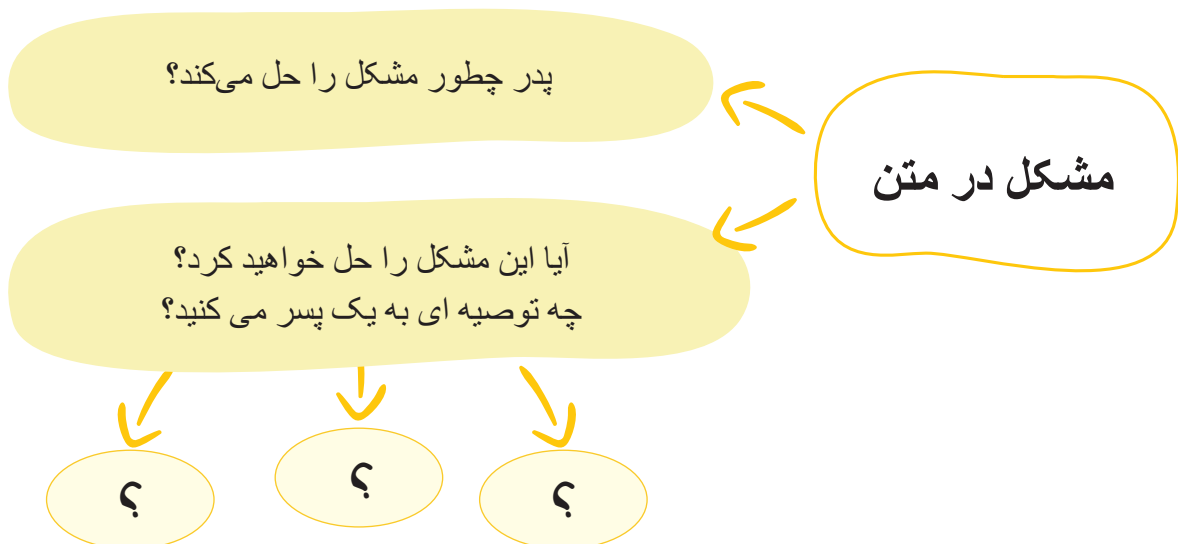
۲



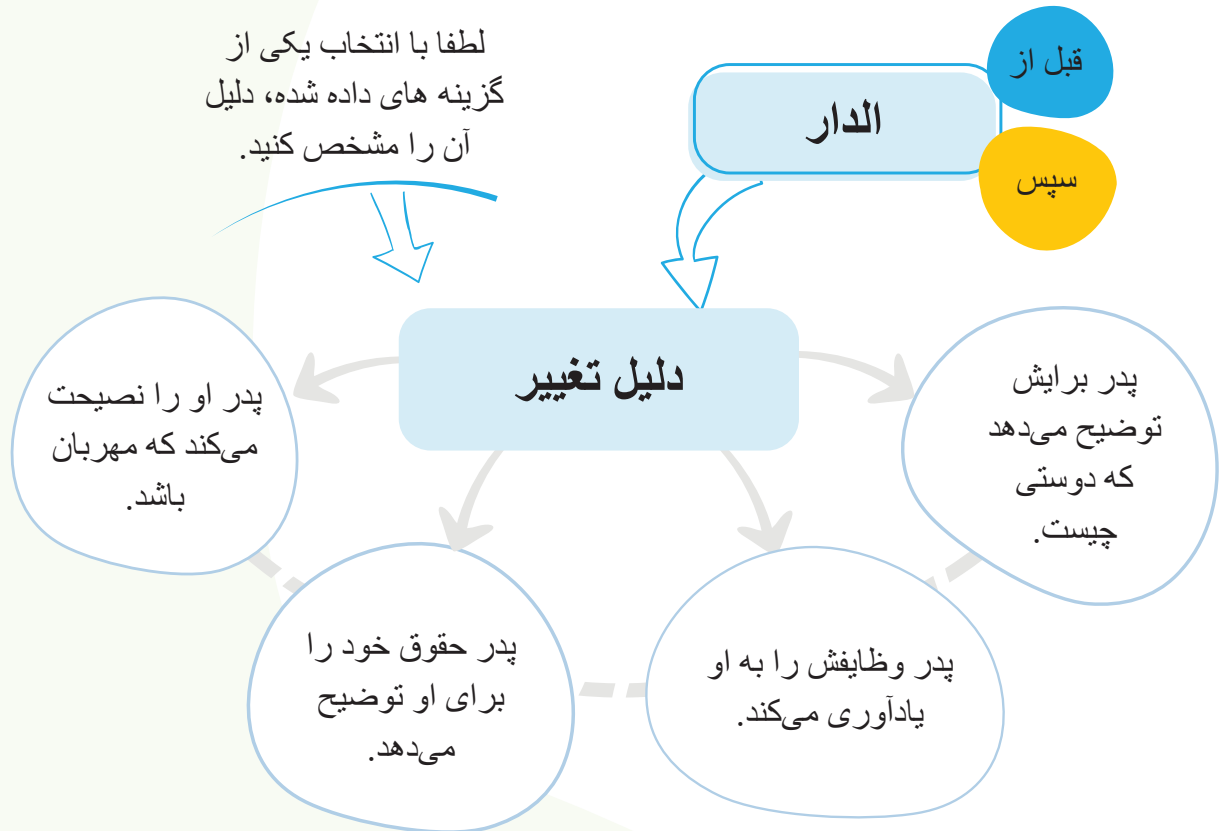
نگرش نسبت به محیط زیست	نگرش به خود

چه مشکلی در متن مورد بحث قرار گرفته است؟ نمودار را کامل کنید.

۳



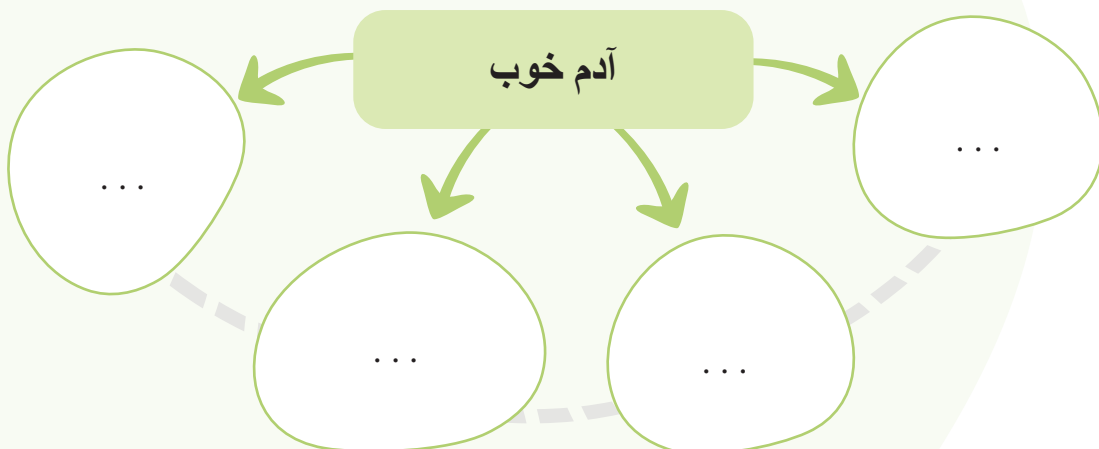
۴ نظرات خود را در مورد الدار بیان کنید.



۵ کلماتی را در متن که معنی آنها را نمی‌دانید، انتخاب کنید و توضیح آنها را تعیین کنید.

۶ ایده اصلی متن را مشخص کنید.

۷ به نظر شما یک فرد خوب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ خوشه را کامل کنید.



۸ بر اساس طرح مقایسه کنید.



✓ به چه نتیجه ای رسیدید؟



بحث

تکلیف چیست؟
حق چیست؟

اگر حقوق خود را
ندانیم چه می‌شود؟

اگر وظایفمان را ندانیم
چه اتفاقی می‌افتد؟

۹ داده‌های ستون‌های الف و ب را به درستی در کادر قرار دهید.

۱. درک مسئولیت خود در
قبال خانواده، مدرسه و دولت

۲. به ارزش‌های ملی
احترام بگذارید

۳. ابراز آزادانه افکار
و عقاید خود

۴. از محیط زیست
محافظت کنید

۵. زندگی ایمن

۶. عشق به میهن،
وفاداری به میهن

۷. برای استراحت

۸. تحصیل کنید

۹. زندگی در یک
محیط سالم

۱۰. کسب دانش،
مهارت‌ها و عادات

۱۱. رعایت قوانین
انضباطی

۱۲. احترام به
نمادهای دولتی

۱۳. احترام به بزرگترها و
مراقبت از کوچکترها

۱۴. رعایت موازین
اخلاقی

وظایف ما:

(ب)

حقوق ما:

الف

کلماتی را در متن که معنی آنها را نمی‌دانید، انتخاب کنید و توضیح آنها را تعیین کنید.

۱۰



طرح:

۱. از ضرب‌المثل‌هایی در مورد دوستان و دوستی (همچنین می‌توانند شعر باشند) به عنوان سرمقاله استفاده کنید.

۲. نگرش خود را نسبت به ایده موجود در سرمقاله بیان کنید (۱-۲ جمله)

۳. دوستی چیست؟ (۱-۲ جمله)

۴. چه کسی می‌تواند دوست باشد؟ (۱ جمله)

۵. شرح دوستی شما (۲-۳ جمله)

۶. رشته‌هایی که شما را به هم متصل می‌کنند (شباهت‌ها، جهان‌بینی و غیره)

۷. دلیل دوستی شما (۱ جمله)

۸. بخش پایانی (نتیجه‌گیری) (۲ جمله)

جملات را کامل کنید.

۱۱

من

۱ من تعجب می‌کنم که

۱

۲ من در شگفتم که،

۲

۳ من وقتی خوشحالم که

۳

۴ پس من در شگفتم که،

۴

اگر تصمیمی گرفته بودم،



زندگی سالم و ایمن



۱. آینده ای سالم و ایمن
۲. اشتباه
۳. روی تصویر کار کنید
۴. چه کسی قوی تر است؟
۵. متن



آینده‌ای سالم و ایمن

۱



یکی از عواملی که زندگی خوب انسان را تضمین می‌کند، وضعیت اکولوژیکی، سلامت و حفاظت از طبیعت و محیط زیست است.

الهام علی‌اف

آیا حفظ سلامت صرفاً به فرد بستگی دارد؟

اگر قرار بود یک «مثلث سلامت» بسازید، چه عوامل کلیدی را در رأس‌های آن برجسته می‌کردید؟

عوامل زیادی وجود دارد که به افراد کمک می‌کند زندگی سالم و ایمنی داشته باشند. به نظر شما سلامتی چیست؟ برای حفظ سلامتی ابتدا باید از چه چیزی شروع کنیم؟



برای زندگی در یک محیط
امن چه باید کرد؟ چگونه
ایمنی را تضمین کنیم؟

شما از امنیت چه میفهمید؟



۱ لطفاً به ایده‌های ارائه شده در جدول زیر پاسخ دهید. افکار خود را به موضوع
زندگی سالم و ایمن مرتبط کنید.



در کشور من

در خانواده‌ام

در دنیای ما

در مدرسه من

جایی که من
زندگی می‌کنم

اشتباه

۲

۱ متن را به صورت نقش بخوانید.

مراد در یک ساختمان جدید زندگی می‌کرد. مادرش برای رفتن به سر کار عجله داشت. سریع لباس‌هایش را اتو کرد. لباس پوشید و سریع از پله‌ها به سمت حیاط پایین رفت. چیزی در حیاط او را به یاد آورد. از طبقه پایین پسرش را صدا زد:

— مراد!

مراد در ایوان با اسباب‌بازی‌هایش بازی می‌کرد. آنقدر غرق بازی بود که صدای مادرش را نشنید.

وقتی مادرش برای بار دوم او را صدا زد، به ایوان رفت.

— چه می‌گویی مادر؟

— مراد، به مادر بزرگت بگو اتو را در آشپزخانه نگاه کند. فکر کنم یادم **رفت و از برق** نکشیدم.

— باشد به او می‌گویم.

مراد به داخل رفت. دوباره شروع به بازی با اسباب‌بازی‌هایش کرد. مادرش دوباره او را صدا زد.

— به مادر بزرگت گفتی؟

— گفتم.

مادر آرام شد و رفت.

مراد به حیاط رفت و شروع به بازی با دوستانش کرد. لحظه‌ای بعد، مادر بزرگش با سبدی در دست به حیاط آمد. او به بازار می‌رفت. مادر بزرگ به او دستور داد که از حیاط بیرون نرود، زود برمی‌گردد.

مادر بزرگ یک ساعت بعد برگشت و به خانه رفت. وقتی در آپارتمان را باز کرد و وارد شد، از دود نفشش بند آمده بود. او به سرعت به اطراف اتاق نشیمن و اتاق خواب نگاه کرد. سپس در



آشپزخانه را باز کرد. رومیزی آتش گرفته بود. مادر بزرگ به محض دیدن این صحنه می‌خواست جیغ بزند. اما نمی‌توانست.

فکر می‌کنید اوضاع چطور ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا مراد می‌تواند به مادر بزرگش کمک کند؟

چه کس دیگری می‌تواند به مادر بزرگش کمک کند؟ اگر با چنین حادثه‌ای روبرو شدید، چه کار می‌کردید؟

مادر بزرگ به سرعت به سمت همسایه دوید. آنها با آتش نشانی تماس گرفتند. یکی از همسایه‌ها با مادر تماس گرفت. سپس آنها شروع به خاموش کردن آتش کردند. خطرناک‌ترین چیز لوله گاز بود. اگر بیش از حد داغ می‌شد و منفجر می‌شد، ...

فکر می‌کنید چه اتفاقی می‌توانست افتاده باشد؟

به زودی ماشین‌های آتش نشانی رسیدند. به محض اینکه دو کامیون قرمز در حیاط توقف کردند، مراد به یاد دستور مادرش افتاد. او به سرعت سرش را بلند کرد و به بالا نگاه کرد. او به خانه دوید. مراد مادر بزرگش را دید که از سر تا پا غرق در آب بود. مادر بزرگ پیر در اتاق‌ها قدم می‌زد و خودش را سرزنش می‌کرد.

چرا مادر بزرگ خودش را سرزنش می‌کرد؟ به نظر شما، مقصر واقعی کیست؟ چرا اینطور فکر می‌کنید؟

کدام ضرب‌المثل با محتوای متن مطابقت دارد؟

۲



- الف) خانه‌ی دروغگو سوخت، هیچ‌کس حرفش را باور نکرد.
- ب) کسی که عجله می‌کند، در تنور می‌افتد.
- ج) پشیمانی بعدی بی‌فایده است.
- د) پیرمرد ستون خانه است.
- ه) مادری برای فرزندش خود را در آتش می‌سوزاند.

چه اطلاعاتی در متن وجود ندارد؟

۳

- الف) مراد در یک خانه‌ی در حال ساخت زندگی می‌کرد.
- ب) آنها با مادر بزرگش زندگی می‌کردند.
- ج) مراد اسباب‌بازی‌های زیادی داشت.
- د) مراد یک دانش‌آموز مدرسه‌ای است.
- ه) همسایه‌ها در خاموش کردن آتش نقش فعالی داشتند.

۴ سه سوال در مورد متن بنویسید. یک سوال باید در مورد مادر، سوال دیگر در مورد مراد و سوال سوم در مورد مادر بزرگ باشد.

(۱) _____

(۲) _____

(۳) _____

۵ بر اساس متن، مادر، مادر بزرگ و مراد را توصیف کنید.

توجه	دوست نداشتن‌ها	دوست داشتن‌ها	شخصیت‌ها
			مادر
			مادر بزرگ
			مراد

۶ جدول را بر اساس متن کامل کنید.

	ایده متن
	رویداد
	تصاویر
	زمان
	مکان

۷ کلمات کلیدی متن را انتخاب کنید و انتخاب‌های خود را توضیح دهید.

۸ برای خجالت دادن مراد از چه کلماتی استفاده می‌کنید؟ به نظر شما این کلمات به کدام بخش از گفتار تعلق دارند؟ معنی متضاد کلماتی را که انتخاب کرده‌اید بنویسید.

۹ اگر کلمه **پیرمرد** را در پاراگراف آخر جایگزین کنید، چه کلمه‌ای صحیح‌تر خواهد بود؟

۱۰ از کجا می‌شود فهمید مراد عمداً این کار رو کرده یا فقط فراموشکار بوده؟ به نظر شما چه چیزهایی میتونه باعث فراموشی بشه؟



آیا
می‌توان افراد مسن‌تر
از خود و به طور کلی محیط را
فریب داد، حتی اگر فقط یک شوخی
باشد؟ بر اساس متن، آیا می‌توانیم بگوییم که
مراد دروغگو است؟
آیا تا به حال دروغ گفته‌اید؟ دروغ در مورد
چه بود؟ نتیجه آن چه بود؟ آیا دوست دارید
نظرات خود را با دوستانتان به
اشتراک بگذارید؟

۱۱ علامت‌های نگارشی صحیح را در انتهای جملات در قسمت قاب شده متن قرار دهید.



۱۲ قوانینی با عنوان «ایمنی در برابر آتش در خانه» را تدوین کنید. از اجزای اصلی و کمکی کلام در نوشته خود استفاده کنید.

۱۳ نامه‌ای به مراد در متن «اشتباه» بنویسید. به نظر شما در این نامه چه چیزی باید نوشته شود؟

روی تصویر کار کنید

۱ متن را بر اساس تصویر ایجاد کنید.



طرح ساختار متن

۱. اطلاعات کلی در مورد آنچه در تصویر به تصویر کشیده شده است
۲. ایده منتقل شده از طریق تصویر
۳. اشیاء و رنگ‌های استفاده شده در تصویر
۴. نگرش شما به تصویر (آیا آن را دوست داشتید/دوست نداشتید؛ چرا؟)



دستورالعمل

- در نوشته خود از جملات توصیفی و پرسشی استفاده کنید.
- از علائم نگارشی صحیح استفاده کنید.
- کلمات را به درستی هجی کنید.
- جمله سازی صحیح داشته باشید.

طول متن:

۱۰-۱۵ جمله



چه کسی قوی تر است؟

۴

۱ به عنوان متن توجه کنید و به این فکر کنید که متن در مورد چه چیزی خواهد بود. پس از خواندن متن، افکار خود را مقایسه کنید.

حدس من:

چه اتفاقی افتاد؟

۱

حدس من:

چه اتفاقی افتاد؟

۲

حدس من:

چه اتفاقی افتاد؟

۳

خورشید و باد بهترین دوستان بودند. آنها با محبت با هم بازی می‌کردند. روزی آنها در مورد اینکه چه کسی قوی تر است بحث کردند. باد گفت:

– من قوی ترم. وقتی می‌دمم، درختان را خم می‌کنم، برگ‌ها را می‌ریزم.
خورشید گفت:

– من زمین را گرم می‌کنم، برف را آب می‌کنم، آب رودخانه‌ها را زیاد می‌کنم.
بحث آنها پایان نیافت. اما هیچ‌کدام قبول نداشتند که دیگری قوی تر است.



ناگهان مردی را دیدند. او یک ژاکت چرمی ضخیم پوشیده بود.
باد گفت:

– بیایید قدرت خود را آزمایش کنیم. هر کسی که بتواند ژاکت آن مرد را در بیاورد، برنده خواهد شد.
خورشید موافقت کرد.

باد با تمام قدرت وزید. سعی کرد ژاکت مرد را در بیاورد. اما مرد ژاکت خود را محکم گرفت و به راه خود ادامه داد.

باد زیاد وزید، اما نتوانست ژاکت را از او در بیاورد. سرانجام. او با شرمندگی کنار رفت.

نوبت خورشید فرا رسیده است. او پرتوهای گرم خود را بر روی مرد ریخت. مرد عرق کرد و ژاکت خود را در آورد.

بنابراین، بحث بین خورشید و باد پایان یافت. باد فهمید که این یک نیرو نیست، بلکه یک لبخند گرم است که قوی‌تر است.

با استفاده از متن، جدول زیر را کامل کنید.

۲



نتیجه

۱. باد و خورشید تصمیم گرفتند با هم رقابت کنند

۲. خورشید مسابقه را برد

۳. ...

علت

۱. ...

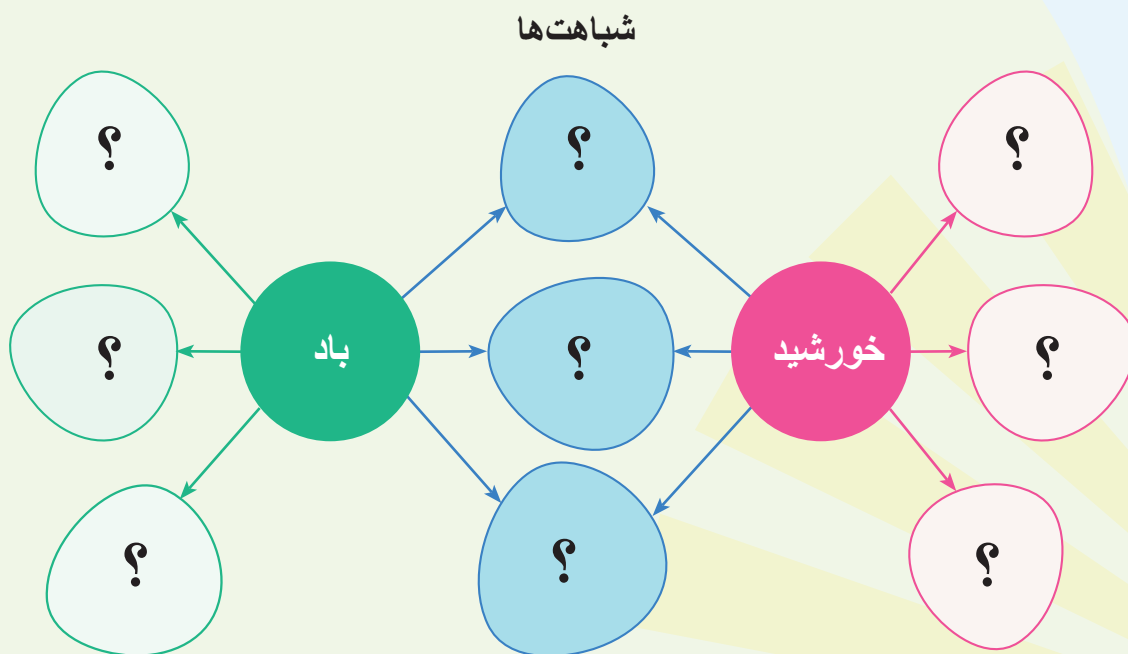
۲. ...

۳. باد با تمام قدرت وزید و خودش را به سمت مردی که در جاده بود پرتاب کرد

۳ جدول را بر اساس متن کامل کنید.

	ایده متن:
	شخصیت‌های داستان:
	رویداد:
	محل وقوع حادثه:
	وقتی حادثه رخ داد:

۴ بر اساس متن، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین باد و خورشید را بنویسید.





- ۵ بنویسید که معانی کلمات خورشید، باد، قدرت و رقابت برای شما چیست؟
- ۶ این داستان چه چیزی به ما می‌آموزد؟ آیا باید در هر مشکلی که با آن مواجه می‌شویم مانند باد یا خورشید عمل کنیم؟ چرا؟
- ۷ وقتی با دوستانتان بازی می‌کنید چگونه رفتار می‌کنید؟
- ۸ چه کسی را با خورشید در داستان مقایسه می‌کنید؟ چرا؟
- ۹ نقاط قوت شما چیست؟ چرا اینطور فکر می‌کنید؟
- ۱۰ از نقاط قوت خود کجا و چگونه استفاده می‌کنید؟
- ۱۱ دوست دارید چه قدرتی برخلاف دیگران داشته باشید؟ اگر این قدرت را داشتید، چگونه از آن استفاده می‌کردید؟
- ۱۲ یک داستان کوتاه (۲۰ تا ۲۵ جمله) بنویسید که نقاط قوت شما را مشخص کند. به خاطر داشته باشید که داستان باید با یک نکته مثبت به پایان برسد.





گروهی از قورباغه‌ها برای قدم زدن در جنگل رفتند. آنها در حالی که آواز می‌خواندند و می‌رقصیدند، بالا و پایین می‌پریدند. در آن لحظه، دو قورباغه به طرز عجیبی در گودال عمیقی افتادند. قورباغه‌های دیگر با عجله در بالای گودال جمع شدند. گودال آنقدر عمیق بود که بیرون آمدن از آن بسیار دشوار به نظر می‌رسید.

یکی از قورباغه‌هایی که روی گودال بود، فریاد زد:

— ما خیلی دوست داریم شما را نجات دهیم. اما کاری از دستمان بر نمی‌آید. اگر دستان بلندی داشتیم، شما را رها نمی‌کردیم. افسوس که نداریم. شما خودتان نمی‌توانید از چنین گودال عمیقی بیرون بیایید.

قورباغه دیگری به قورباغه‌هایی که در گودال قدم می‌زدند، فریاد زد:

— خدای من، گودال چقدر عمیق است.

قورباغه دیگری سرش را در گودال فرو کرد و قارقار کرد:

— بهتر است بیهوده خودتان را خسته نکنید. بیرون آمدن از آنجا غیرممکن است.



فکر می‌کنید اوضاع چگونه ادامه خواهد یافت؟ آیا قورباغه‌های دیگر می‌توانند آنها را نجات دهند؟ به نظر شما قورباغه‌های داخل گودال از چه راه‌هایی می‌توانند بیرون بیایند؟ آیا تا به حال به دوستی که در دردرس افتاده کمک کرده‌اید؟ نتیجه چه بود؟

قورباغه‌های داخل گودال قارقار می‌کردند و بالا و پایین می‌پریدند. پس از مدتی، یکی از قورباغه‌ها، که از حرف‌های افراد بالا خسته و دلسرد شده بود، روی لبه چاه ایستاد. قورباغه دیگر داخل چاه بالا و پایین می‌پرید. قورباغه‌های بالا گفتند که او بیهوده خودش را خسته می‌کند:

– تو نمی‌توانی عمق گودال را ببینی. نمی‌توانی از آن بیرون بیایی.
– ببین دوستت چقدر باهوش است، خودش را خسته نمی‌کند.
– اگر نمی‌توانی بیرون بیایی، خودت را بیهوده خسته نکن.

اما قورباغه انگار این صداها را نمی‌شنید. او حتی اهمیتی نمی‌داد که دوستش در گودال کنار رفت و نشست. ناگهان، او به بالا پرید و با گرفتن ریشه‌های یک درخت توانست خودش را از گودال بیرون بکشد.

قورباغه‌هایی که قبلاً فریاد می‌زدند به او تبریک گفتند. اما او بدون اینکه چیزی بگوید به راهش ادامه داد. حتماً شنیده‌اید که این قورباغه از بدو تولد ناشنوا بوده است. حتی وقتی توی چاه بود، حرف‌های دوستانش را نشنیده بود.

برای متن یک عنوان انتخاب کنید.

۱



چه شخصیت‌هایی را در این متن شناسایی کردید؟

۲

به نظر شما چه شخصیتی به قورباغه‌ای که زنده ماند کمک کرد تا بر مشکل غلبه کند؟

۳

قورباغه‌ای که باخت چه شخصیتی دارد؟

۴

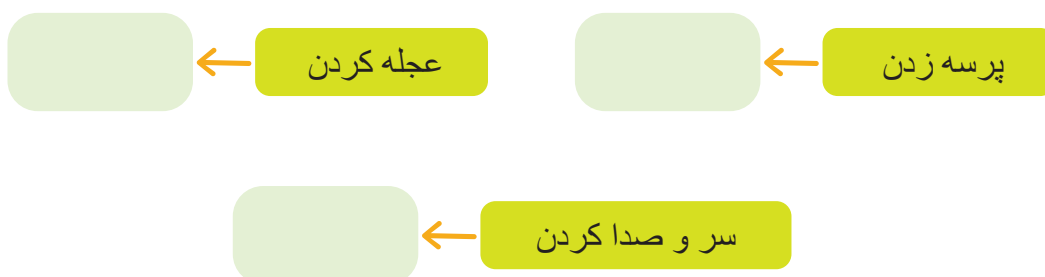


۵ چگونه بر مشکلاتی که در رسیدن به اهدافتان با آنها مواجه خواهید شد غلبه خواهید کرد؟ کدام یک از ویژگی‌های شخصیتی شما می‌تواند به شما در حل مشکل کمک کند؟

۶ دوست دارید چه ویژگی‌هایی را در خود پرورش دهید؟

۷ هر فردی باید عزم، اراده و بردباری را در خود پرورش دهد. – نظر خود را در مورد جمله بیان کنید. آیا فکر می‌کنید این ویژگی‌ها به ما کمک می‌کنند تا در جامعه موضع مثبتی اتخاذ کنیم؟ چگونه؟

۸ با استفاده از فرهنگ لغت، معنی کلمه را پیدا کنید.



۹ علائم نگارشی گم‌شده را در قسمت قاب شده متن قرار دهید.

۱۰ انشایی با عنوان «تنها راه پیشرفت از طریق مبارزه است» بنویسید.



تعميم تکرار



۱ مراد (به اختصار)

روستایی وجود داشت. این روستا با جنگل‌ها و مراتع احاطه شده بود. درختان شکوفه داده بودند، تپه‌ها و دامنه‌ها پوشیده از چمن و گل‌های نرم بودند. عطر گل‌های رنگارنگ در همه جا پخش می‌شد. پرندگان صبح و عصر آوازهای زیبایی می‌خواندند.

خواهری به نام بیلگیس و مراد در این روستا زندگی می‌کردند. بیلگیس عاشق بازی با اسباب‌بازی‌هایش بود. بعد از بازی، اسباب‌بازی‌هایش را مرتب سر جایش می‌گذاشت و به تصاویر کتاب «چشم کودکان» که پدرش برایش خریده بود نگاه می‌کرد.

از طرف دیگر، مراد صبح‌ها از خانه بیرون می‌رفت و عصرها برمی‌گشت. او با همه دعوا می‌کرد. به همین دلیل هیچ‌کس او را دوست نداشت. او همچنین اسباب‌بازی‌های خواهرش بیلگیس را می‌شکست و بی‌ادب بود.

حیوانات و پرندگان حیاطشان نیز بیلگیس را خیلی دوست داشتند. وقتی او در باغ بازی می‌کرد، مرم‌گر به، دمیر سگ و مرجان خروس به سمت بیلگیس می‌آمدند و او جورابی را که در دست داشت پاره می‌کرد و به سمت آنها پرتاب می‌کرد.

مراد به حیوانات هم آسیب می‌زد. حیوانات به محض اینکه او را در حال آمدن می‌دیدند، فرار می‌کردند.

مراد زیر درخت سیب نشسته بود و با ناراحتی به آنها نگاه می‌کرد و با خودش فکر می‌کرد:

چرا همه بیلگیس را دوست دارند همه با او با احتیاط رفتار می‌کنند اما هیچ‌کس مرا دوست ندارد چرا

عبدالله شایق

۱. چگونه پایان متن را کامل می‌کنید؟ آن را با ۴-۵ جمله بر اساس تخیل خود کامل کنید.

۲. به کدام یک از سوالات زیر در متن پاسخ داده شده است؟

- الف) بیلگیس با پدرش به چه کتابی نگاه می‌کرد؟
- ب) مراد چه سؤالاتی از بیلگیس می‌پرسد؟
- ج) در کدام فصل داستان، روستا زیباتر توصیف شده است؟
- د) چرا مراد پشیمان است؟
- ه) بیلگیس و مراد در کدام شهر زندگی می‌کردند؟



۳. با استفاده از متن، ویژگی‌های بیلگیس را بنویسید.



۴. با استفاده از متن، ویژگی‌های مراد را بنویسید.

۵. چه توصیه‌ای به مراد می‌کنید؟

۶. ایده اصلی متن چیست؟

۷. کدام ضرب‌المثل با ایده اصلی متن سازگار است؟

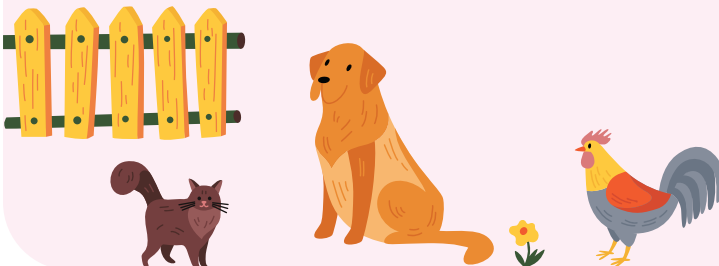
- الف) پشیمانی بعداً فایده‌ای ندارد.
- ب) گوینده تلخ سخن شیرین نمی‌شنود.
- ج) جوجه‌ها را در پاییز می‌شمارند.
- د) کسی که زیاد می‌خواهد، کم می‌گیرد.
- ه) سنگی که از شاخه پرتاب می‌شود، ارزش یک پاشنه را دارد.

۸. کدام فصل باید در ابتدای جمله سوم متن نوشته شود؟

- الف) وقتی تابستان است
- ب) وقتی بهار می‌آید
- ج) در ماه‌های پاییز

۹. بر اساس متن به سؤالات پاسخ دهید.

الف. چرا حیوانات از بیلگیس فرار نکردند؟





ب. بیلگیس چه کتابی می‌خواند؟

۱۰. روابط علت و معلولی را بر اساس متن کامل کنید.

نتیجه‌گیری	دلیل
همه بیلگیس را خیلی دوست داشتند	مراد با همه دعوا می‌کرد

۱۱. جدول را کامل کنید.

دلیل اینکه از او خوشم می‌آید	اتفاقی که در داستان توجهم را جلب کرد (و دوست داشتم)

۱۲. در پایان جملات از چه علائم نگارشی باید استفاده کرد؟

- مراد گستاخ بود
- چرا حیوانات عاشق بیلگیس بودند

۱۳. در جملات زیر خط‌دار متن، از چه علائم نگارشی باید استفاده شود؟

۱۴. جمله را کامل کنید.

من داستان را دوست داشتم چون...

۲ حصار سبز

باد به مزرعه نگاه می‌کرد و نوری نمی‌تاباند. در پایان پاییز، باد دستیار خود، یعنی سرما را به مزارع می‌فرستاد. یخبندان گل‌های کوچک، علف‌ها و غلات را می‌سوزاند، برگ‌های سبز درختان بزرگ را می‌ریخت و شاخه‌ها و رودخانه‌ها را منجمد می‌کرد.

گله‌های گوسفند حتی یک چنگال علف برای خوردن پیدا نمی‌کردند و مارهای زیادی در مزارع بودند.

روزی، افراد زیادی به مزرعه آمدند. آنها شروع به حفر کانال با تراکتور و بیل مکانیکی کردند.

باد ابتدا تعجب کرد، سپس با صدای بلند خندید:

— حفر کن، حفر کن، شما به حفر کانال ادامه دهید و من آن را فقط در عرض دو روز با شن پر خواهم کرد.

مردم که حيله باد را فهمیده بودند، لوله‌های بزرگی را در کانال کار گذاشتند. آب از طریق لوله‌ها جاری می‌شد.

در پاییز، ردیف‌هایی از درختان را در مزرعه کاشتند. باد گفت:

— به اینها نگاه کن! آنها می‌خواهند راه من را با زیاله مسدود کنند.

روزها و ماه‌ها گذشت. درختان رشد کردند، آنها مانند حصار سبزی بودند که مسیر باد را مسدود می‌کردند.

برف سنگینی بارید. باد هر چقدر هم که شدید بود، نمی‌توانست برفی را که روی غلات را پوشانده بود، از بین ببرد.

باد در تمام طول سال می‌وزید، اما نمی‌توانست حتی یک خوشه غلات را خشک کند. درختان انبوه در برابر بادهای مقاومت می‌کردند. حالا دیگر هیچ خشکسالی برای درختان وحشتناک نبود. از این گذشته، مردم اغلب آنها را با آب کانال آبیاری می‌کردند.

بله، جنگل مصنوعی مسیر بادهای مسدود می‌کرد.

۱. یکی از ویژگی‌های داده شده در مورد باد در متن نادرست است.

الف) حیلگر

ب) شیطان

ج) غمگین

د) عصبانی

۲. دلیل اینکه گله‌های گوسفند علف برای خوردن پیدا نمی‌کردند چه بود؟

الف) خشکسالی سال

ب) باد که علف‌ها و گل‌ها را زرد می‌کرد

ج) رسیدن پاییز

د) سرما برگ‌های درختان را می‌ریخت

۳. جمله را طبق متن کامل کنید.

وقتی مردم با هم کار می‌کنند...

الف) هیچ چیز نمی‌تواند از آنها پیشی بگیرد.

ب) رسیدن به نتیجه دشوارتر می‌شود.

ج) باد شکست خود را می‌پذیرد.

د) باد دیگر کاری نمی‌کند.

۴. کدام پاسخ در معنای ضرب‌المثل «آنچه دست می‌سازد، باد نمی‌تواند خراب کند»

دقیق‌تر است؟

الف) باد در برابر دست ناتوان است.

ب) دست با در نظر گرفتن قدرت باد می‌سازد.

ج) قدرت باد گاهی اوقات می‌تواند ضعیف باشد.

د) وقتی قدرت با هم باشد، هیچ مانعی نمی‌تواند بر آن غلبه کند.

۵. متضادهای جمله زیرخطدار را در متن مشخص کنید.

۶. کدام ضرب‌المثل با ایده متن سازگار است؟

- الف) نمی‌توان دهان خود را بست.
- ب) چشم دست، ترازو است.
- ج) قدرت در اتحاد است.
- د) کوه به کوه نمی‌رسد، انسان به انسان می‌رسد.

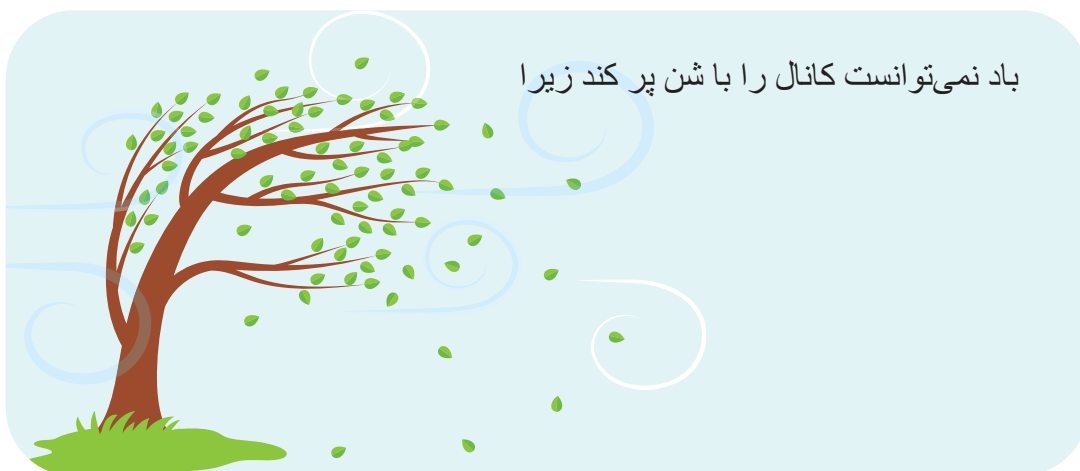
۷. کلماتی با معانی مشابه کلمات داده شده بنویسید.

- نشستن –
- رفتن –
- گفتن –
- گوش دادن –

۸. چرا آرزوی باد برای تسویه حساب با مردم در زمستان شکست خورد؟

- الف) مردم در زمستان کانالی ساختند.
- ب) درختانی که مردم از طریق کانالی که ساخته بودند آبیاری می‌کردند، رشد کردند و باد را مسدود کردند.
- ج) چون باد در زمستان نمی‌وزید.
- د) کولاک شدید مانع از انجام هر کاری توسط آنها شد.

۹. جمله را کامل کنید.



۱۰. دلیل خنده باد چه بود؟

- الف) چون فکر می‌کرد مردم کانالی را که ساخته بودند با شن پر می‌کنند.
ب) چون می‌توانست کانال را با شن پر کند.
ج) چون به قدرت باد اعتقاد نداشت.
د) چون فهمید که شکست خورده است.

۱۱. دلایل را بر اساس متن بیان کنید.

نتیجه‌گیری	دلیل
گوسفندان علفی برای خوردن پیدا نمی‌کردند	
درختان حصاری سبزی تشکیل داده بودند	
مزارع محصول فراوانی دادند	

۱۲. جدول را کامل کنید.

چرا آن را دوست داشتم	اتفاق مورد علاقه من در داستان



۳ قدردانی

من شش سال است که با آزاد سر یک میز می‌نشینم. او پسری بسیار مهربان و باهوش است.

همه در کلاس ما به او احترام می‌گذارند. من هم به عنوان یک همکلاسی احترام عمیقی برای او قائلم.

با این حال، اعتراف می‌کنم که قبلاً از آزاد بسیار عصبانی بودم. او را پسری ریاکار، متکبر و حسود می‌دانستم. زیرا در طول کلاس، وانمود می‌کرد که متکبر است، اغلب مرا سرزنش می‌کرد و به من دستور می‌داد مانند: **"صاف بنشین..."**، **"گوش کن..."**، **"ورق را روی زمین نینداز..."** او حتی اجازه نمی‌داد که در طول امتحان ریاضی به نوشته‌هایش نگاه کنم. با این حال، با گذشت روزها، تصورات غلط من در مورد آزاد به عنوان فردی متکبر و حسود از بین رفت. او به عنوان یک دوست صمیمی، دلسوز، باهوش و با فرهنگ، خانه‌ای ابدی در قلب من ساخت. من از آزاد بسیار سپاسگزارم.

زیرا او با منظم و فعال بودن، تأثیر بسیار مثبتی بر من گذاشت.



۱. بر اساس متن، می‌توانیم بگوییم:

۱. آزاد یک دانش‌آموز نمونه است.
۲. آزاد فقط مورد علاقه همکلاسی‌اش است.
۳. دانش‌آموزان هفت سال است که با هم همکلاسی هستند.
۴. هیچ‌وقت برای نتیجه‌گیری از اشتباهات دیر نیست.

۲. روابط علت و معلولی را در متن نشان دهید.

نتیجه‌گیری	دلیل
	من قبلاً برای آزاد متأسف بودم.
	او تأثیر مثبتی روی من داشت

۳. ایده اصلی متن را مشخص کنید.

۴. کدام ضرب‌المثل با ایده متن مطابقت دارد؟

- الف) یک دوست واقعی کسی است که رو در رو دروغ می‌گوید.
- ب) کسی که قوانین را می‌شکند پشیمان خواهد شد.
- ج) یک فرد تنبل دو بار کار را انجام می‌دهد.
- د) مشکلات به درک یک فرد کمک می‌کنند.

۵. نگرش خود را نسبت به شخصیت آزاد در یک جمله بیان کنید.

۶. نگرش خود را نسبت به شخصیت دانش‌آموز دیگر در یک جمله بیان کنید.

۷. کلماتی بنویسید که از نظر معنی با کلمات زیر مشابه باشند.

تخیل – (رویا)

سیاسگزاری – (موافقت، تشکر)

۸. کلماتی را که با کلماتی که یک علامت را نشان می‌دهند، مطابقت دارند، مشخص کنید.

مرتب		کوچک	
قد بلند		جدید	
سخت‌کوش		خشن	

۹. در کدام یک از جملات، کلمه قرمز رنگ با معنای "مثبت" استفاده شده در متن مطابقت دارد؟

- الف) ملاقات با دوستان پس از یک روز کاری سخت، تأثیر مثبتی بر من داشت.
ب) دمای هوا در باکو مثبت ۲۱ درجه است.
ج) در ریاضیات، از علائم شرطی مثبت (+) و منفی (-) استفاده می‌شود.
د) رعد و برق توسط ذرات باردار مثبت و منفی ایجاد می‌شوند.

۱۰. معنی متضاد کلمات زیر را نشان دهید.

صادقانه شادمانه زیبا

۱۱. در انتهای جملات آبی رنگ متن، از چه علائم نگارشی باید استفاده شود؟

الف) نقطه	ج) علامت تعجب
ب) علامت سؤال	د) بدون علائم نگارشی.

۱۲. جدول را کامل کنید.

چیزی که در مورد داستان دوست داشتم	چرا آن را دوست داشتم	چیزی که در مورد داستان دوست نداشتم	چرا آن را دوست نداشتم

دستور زبان

جملات پرسشی و ساختار آنها

در فارسی، جملات پرسشی با استفاده از آهنگ پرسشی و ضمائر پرسشی ساخته می‌شوند.

در جملات پرسشی که با آهنگ پرسشی ساخته می‌شوند، آخرین هجای کلمه‌ای که برای پرسش به کار می‌رود با تأکید قوی تلفظ می‌شود و پسوند خبری با آهنگ پرسشی تلفظ می‌شود.

به عنوان مثال:

آیا این یک سیب است؟

آیا سیب قرمز است؟

جملات پرسشی را می‌توان با قید پرسشی نیز به کار برد. در این زبان، قید پرسشی – (آیا) در ابتدای جمله می‌آید و به عنوان قید پرسشی می‌آید که در انتهای جملات پرسشی در زبان آذربایجانی استفاده می‌شود، ترجمه می‌شود.

به عنوان مثال:

آیا، این دفتر است؟

آیا، دفتر مال نگار است؟

علاوه بر قید "؟"، جملات پرسشی را می‌توان با قیدهایی مانند (مگر)، (پس) و غیره نیز به کار برد.

به عنوان مثال:

آیا درس را یاد نگرفتی؟

اما مگر به درس نرفتی؟

پاسخ‌های داده شده به جملات پرسشی می‌توانند به دو معنی باشند: (۱) مثبت، (۲) منفی.

قبل از جملات پاسخ مثبت، قید بلی یا آری می‌آید. قبل از جملات پاسخ منفی، حرف نفی نه یا قید نخیر می‌آید و در پایان، شکل نفی پسوند خبری ندارد، نیست می‌آید.

ضمایر پرسشی

دوم. جملات پرسشی با مشارکت ضمایر پرسشی ساخته می‌شوند. کاربردی‌ترین ضمایر پرسشی در زبان فارسی عبارتند از:

(ke) – که؟	(çe kəsist) – چه کسی است؟
(çe) – چه؟	(çe çizist) – چه چیزی است؟
(çe kəsi) – چه کسی؟	(çənd) – چند؟
(çe çizi) – چه چیزی؟	(çe ğədr) – چه قدر؟
(kist) – کیست؟	(kodam) – کدام؟
(çist) – چیست؟	(koca) – کجا؟

(çetour) – چطور؟
(çecur) – چه جور؟
(çequne) – چه گونه؟

ده‌ها، صدها، هزاران و اعداد مختلط

دهگان‌ها به شرح زیر هستند:

(dəh) – ده
(bist) – بیست
(si) – سی
(çehel) – چهل
(pəncəh) – پنجاه
(şəst) – شصت
(həftad) – هفتاد
(həştad) – هشتاد
(nəvəd) – نود

صدگان‌ها به شرح زیر هستند:

(səd) – صد
(devist) – دویست
(sisəd) – سیصد
(çəharsəd) – چهارصد
(pənsəd) – پانصد
(şeşsəd) – ششصد
(həftsəd) – هفتصد
(həştəsəd) – هشتصد
(nohsəd) – نهصد

هزاران، درست مانند زبان آذربایجانی، با استفاده از مفرد، دهگان و صدها به همراه کلمه (hezar) – هزار ساخته می‌شوند.

برای مثال:

2000

هزار	(hezar)
دو هزار	(do hezar)
نه هزار	(noh hezar)
ده هزار	(dəh hezar)
بیست هزار	(bist hezar)
سی هزار	(si hezar)
نود هزار	(nəvəd hezar)
صد هزار	(səd hezar)
دویست هزار و غیره.	(devist hezar)

ساختار اعداد مختلط با اعداد در زبان آذربایجانی متفاوت است. بنابراین، هر عدد مختلط در زبان آذربایجانی به سادگی با جمع اعداد به دست می‌آید. برای مثال:

۲۵ – بیست و پنج، ۱۳۶ – صد و سی و شش، ۳۶۵ – سیصد و شصت و پنج، ۱۹۱۸ – هزار و نهصد و هیجده.

همانطور که از مثال‌ها پیداست، هیچ تفاوتی بین نوشتن اعداد مختلط به صورت اعداد و تلفظ آنها وجود ندارد.

در فارسی، هنگام نوشتن فقط به صورت اعداد، اعداد از چپ به راست در کنار هم قرار می‌گیرند. هنگام خواندن، صدای "o" بدون تأکید بین اعداد تلفظ می‌شود. هنگام نوشتن تلفظ، صدای o تلفظ شده با حرف ربط (و) نشان داده می‌شود. به عنوان مثال:

30

- ۲۵ – (بیست و پنج)
- ۳۶۵ – (سیصد و شصت و پنج)
- ۱۹۱۸ – (هزار و نهصد و هیجده)
- ۱۹۹۱ – (هزار و نهصد و نود و یک)



مطالعه خارج از کلاس درس

۱. داستان سرزمین

۲. در جنگل

۳. ...

۴. کانگوروی مادر

۵. پزشک روستا



داستان سرزمین

۱



قبل از خواندن:

به نظر شما متن در مورد چه چیزی صحبت خواهد کرد؟



خاری روی زمین روییده بود. اما زمین آن را دوست نداشت. می‌خواست همه جا مزرعه باشد، غله فراوان باشد و مردم خوشحال باشند. اما خار از زمین دست نمی‌کشید: ریشه‌هایش عمیق شده بود. زمین به آرامی گریه می‌کرد. باد می‌خواست به زمین کمک کند. تمام روز می‌وزید، اما نمی‌توانست خار را بشکند، فقط آن را به پهلوی خم می‌کرد.

سپس باران می‌خواست به زمین کمک کند. شب و روز باران می‌بارید. خار را به وفور خیس می‌کرد، اما نمی‌توانست آن را از جایش بکند.

زمین دوباره گریه کرد. این بار خورشید برای کمک آمد. صبح زود گرمای خود را به زمین فرستاد. برگ‌های خار را جمع کرد، اما نمی‌توانست خودش را بسوزاند.

صبح روز بعد، زمین صداهای عجیبی شنید. گوش می‌داد. آنها انسان بودند. آنها اسب‌های آهنی هم داشتند.

مردم اسب‌های آهنی خود را به سمت راست و چپ تاختند. سطح زمین را صاف کردند. خارها را از ریشه کردند و دور انداختند.

خالده حاصلوا



بعد از خواندن:

آیا ایده‌های شما با محتوای متن همخوانی داشت؟



۱ بر اساس متن، می‌توانیم بگوییم:

خار یک گیاه بی‌فایده است.

قدرت در وحدت است.

انسان قوی‌ترین موجود است.

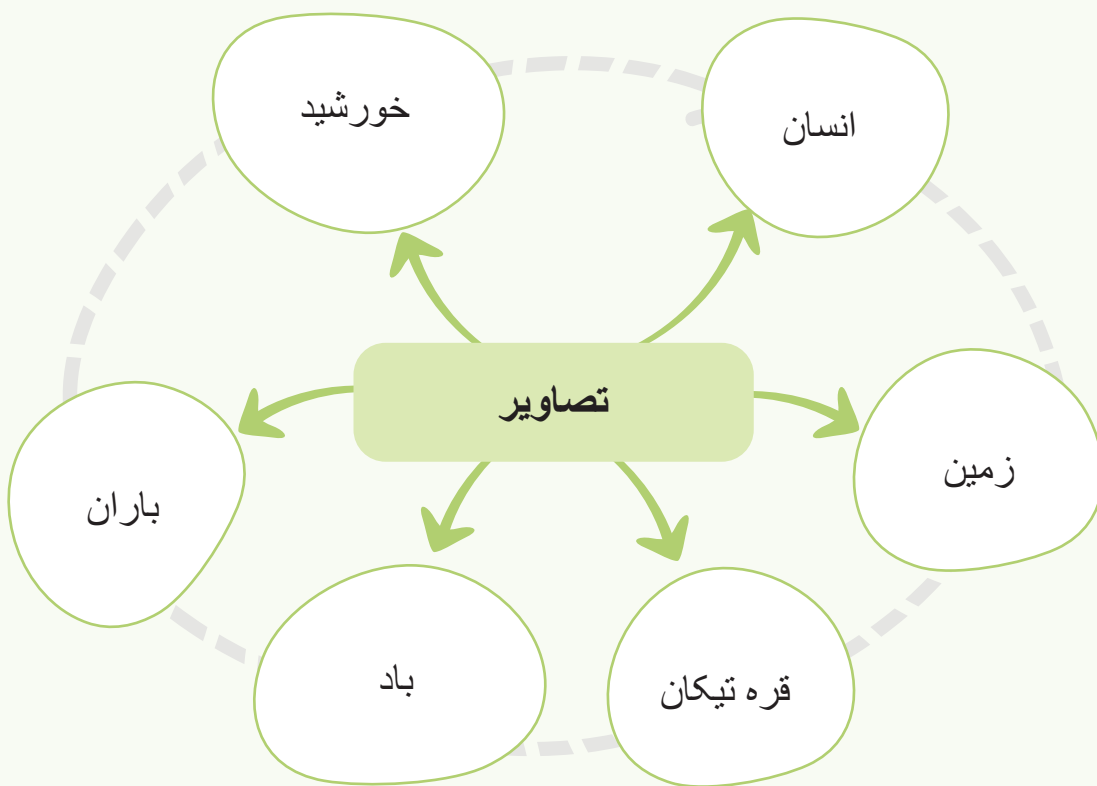
خورشید از باد قوی‌تر است.

۲ چه ایده‌ای از طریق متن منتقل می‌شود؟

۳ چه تصاویری در متن وجود دارد؟ آنها را به تصاویر اصلی و فرعی تقسیم کنید.



۴ به نظر شما یک فرد خوب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ خوشه را کامل کنید.



۵ تطابق بین تصویر و محتوا را تعیین کنید.

۶ تصویر را توصیف کنید.

۷ روابط علت و معلولی را بر اساس متن کامل کنید.

نتیجه	دلیل
زمین گریه می‌کرد.	۱. ...
برگ‌های خار خشک شدند.	۲. ...
زمین نفس راحتی کشید.	۳. ...

در جنگل

۲

قبل از خواندن:

به نظر شما چرا نام متن «در جنگل» است؟
متن درباره چه چیزی صحبت خواهد کرد؟
چه اتفاقاتی ممکن است در جنگل رخ دهد؟

زمان خواندن

هنگام خواندن متن به تلفظ صحیح و لحن
صدا توجه کنید.

دو دوست در حال صحبت بودند و به خانه برمی‌گشتند. مسیرشان از میان جنگل می‌گذشت. ناگهان صدای خش‌خشی شنیدند. ایستادند و شروع به نگاه کردن به اطراف کردند. ناگهان خرس بزرگی را دیدند که به سمت آنها می‌آمد. بچه‌ها به یکدیگر نگاه کردند:

– حالا چه کار کنیم؟

یکی از بچه‌ها فوراً از درختی بالا رفت. دیگری در وسط ماند. او چه کاری می‌توانست انجام دهد؟ او فکر کرد که اگر فقط روی زمین دراز بکشد و صورتش را به زمین بکوبد و خودش را تا سر حد مرگ بزند، شاید نجات پیدا کند. پسر به سرعت دراز کشید و چشمانش را پوشاند.

خرس به پسر نزدیک شد. او را بو کرد و رفت. پسر روی درخت به زمین افتاد و از او پرسید:

– خرس به تو چه گفت؟

خرس به من گفت که یک دوست بد همیشه فرد را در دردسر می‌اندازد و فرار می‌کند. با چنین افرادی معاشرت نکن.

(ل.ن. تولستوی)



بعد از خواندن:

کدام یک از ایده‌هایتان درست بود؟

۱ تصویر را توصیف کنید.



۲ با توجه به متن، ویژگی‌های تصاویر را مشخص کنید.

پسری که روی زمین افتاده

پسری که از درخت بالا می‌رود

۱. ...

۲. ...

۳. ...

۳ آیا با این جمله موافقید: «پسری که از درخت بالا رفت بی‌گناه بود. او در همان لحظه اول برای نجات خودش این فکر را در سر داشت»؟ نظر خود را ثابت کنید.

۴ ایده متن را مشخص کنید. به نظر شما نویسنده سعی دارد چه چیزی را به ما منتقل کند؟ آیا با این ایده موافقید؟

۵ کدام ضرب المثل با مفهوم متن مطابقت دارد؟

الف) یک دوست باید مثل یک دوست باشد، اگر مثل یک دوست نباشد، پس یک دوست باید مثل یک غریبه باشد.

ب) یک دوست، عیب‌های دوستش را رو در رو به او می‌گوید.

ج) طوفان و برف در راه یک دوست خواهد بود.

د) کسی که دوست ندارد، مثل پرنده‌ای بدون بال است.

۶ آیا با عنوان متن موافقید؟ دوست دارید چه اسمی روی آن بگذارید؟

۷ کدام رویداد در متن با واقعیت مطابقت ندارد؟ به نظر شما چرا نویسنده در مورد این رویداد نوشته است؟

متن را درست بخوانید.

۱

تیلدا کمپلن در روستایی کوهستانی در ایالت تنسی آمریکا متولد شد. پس از فارغ‌التحصیلی از کلاس هشتم، به عنوان آشپز در یکی از مدارس مشغول به کار شد. پس از مدت‌ها، تصمیم گرفت تحصیلات خود را ادامه دهد. در سی و دو سالگی، دوباره در مدرسه ثبت نام کرد. او تحصیلات دانشگاهی ناقصی دریافت کرد.

تیلدا می‌خواست به کودکانی که در کوهستان زندگی می‌کنند کمک کند. او سعی کرد آنها را از مشکلاتی که خودش در کودکی تجربه کرده بود، محافظت کند. با این حال، او توانایی مالی برای افتتاح مدرسه نداشت. همچنین ساختمان مناسبی وجود نداشت.



بنابراین، تیلدا به صورت داوطلبانه شروع به آموزش کودکان در فضای باز کرد. بعداً، او صندوقی برای رشد کودکان ایجاد کرد و شروع به جمع‌آوری کمک‌های مالی کرد. سرانجام، به آرزوی خود رسید.

به خاطر خدماتش، جایزه جفرسون به تیلدا اهدا شد.

تیلدا می‌گوید: «هر کسی استعداد خاص خود را دارد. اگر من می‌توانم کاری را انجام دهم، شما هم می‌توانید!»

۲ منظور از استعداد چیست؟

۳ به چه سوالی می‌توان در متن پاسخ داد؟

- الف) تیلدا ساختمان مدرسه را کجا ساخته است؟
- ب) چه کسی جایزه جفرسون را به تیلدا اهدا می‌کند؟
- ج) تیلدا کجا متولد شد؟
- د) تیلدا به چند کودک آموزش می‌داد؟

۴ بر اساس متن، می‌توانیم بگوییم:

- الف) تیلدا در مدرسه خوب درس نمی‌خواند.
- ب) از آنجایی که در محل زندگی او مدرسه‌ای وجود ندارد، می‌خواهد مدرسه‌ای باز کند.
- ج) تیلدا فقط پنج سال در مدرسه درس خواند.
- د) تیلدا می‌خواهد مدرسه را تغییر دهد زیرا مشکلاتی در آموزش می‌بیند.

۵ ویژگی‌های تیلدا را فهرست کنید.



۶ ایده‌ای که از طریق متن منتقل می‌شود را مشخص کنید.

۷ آیا تا به حال به ایده «من می‌توانم» یا «من نمی‌توانم» فکر کرده‌اید؟ به چه نتیجه‌ای رسیده‌اید؟

۸ متن را نامگذاری کنید.

۹ بر اساس متن، یک دیالوگ بنویسید.

۱۰ مدرسه‌ای که تیلدا سازماندهی کرد را با یک مدرسه مدرن مقایسه کنید. چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

به نظر شما درس خواندن در فضای باز جالب‌تر است یا در کلاس درس؟ چرا؟



کانگوروی مادر

۴



قبل از خواندن:

به نظر شما متن در مورد چه چیزی صحبت خواهد کرد؟

الف) زندگی کانگوروهای مادر و بچه

ب) غذای کانگوروهای مادر و بچه

ج) مراقبت کانگوروها از بچه‌هایشان

متن را به درستی و با لحن مناسب بخوانید.

۱





خشکسالی در استرالیا آغاز شده بود. حیوانات جنگل از تشنگی رنج می‌بردند. حیوانات برای یافتن آب به روستاها می‌رفتند. مردم ساکن روستاها نیز از تشنگی رنج می‌بردند.

گاوها و گوسفندان نیز به دلیل کمبود آب ضعیف شده بودند. روستاییان با صرفه‌جویی در مصرف آب، سعی می‌کردند خود و دام‌هایشان را نجات دهند. بنابراین، قصد نداشتند این منبع گرانبها را با حیوانات جنگل به اشتراک بگذارند. روستاییان با تفنگ در دست از مخازن آب محافظت می‌کردند.

روزی، یکی از روستاییان که با تفنگ در دست از مخازن آب محافظت می‌کرد، صدایی از میان بوته‌ها شنید. روستایی با خود فکر کرد: «این باید یکی از حیوانات جنگل باشد.» او تفنگ خود را آماده نگه داشت و به آرامی و بی‌صدا به سمت صدا رفت. او شروع به انتظار آرام کرد.

پس از مدتی، کانگورو با بچه‌ای در کیسه‌اش از بوته‌ها بیرون آمد. کانگورو تشنه بود. با چشمانی غمگین به روستایی نگاه می‌کرد و به نظر می‌رسید که برای جرعه‌ای آب التماس می‌کند. روستایی دستش را از روی ماشه برداشت و با اکراه یک قدم به عقب برداشت.



کانگورو به آرامی به سمت کاسه آبی که برای گاوها گذاشته شده بود، رفت. بچه‌اش با ولع شروع به نوشیدن آب کرد. کانگوروی کوچک آنقدر تشنه بود که نزدیک بود در آب بیفتد. کانگوروی مادر همچنان با چشمانی ملتمس به روستایی نگاه می‌کرد.

بچه کانگورو آب را سیراب کرد و سرش را بالا آورد. وقت رفتن بود. کانگوروی مادر با بچه‌اش به سمت جنگل رفت.

روستایی که همه اینها را تماشا می‌کرد، بی‌صدا گریه می‌کرد. زیرا با وجود تشنگی، کانگوروی مادر حتی یک جرعه آب هم ننوشید.

از مجله "خانواده من"



بعد از خواندن:

آیا پاسخ درست را انتخاب کردید؟



۲ آیا روستاییان حق داشتند از آب محافظت کنند؟

۳ چرا روستایی دستش را از روی ماشه برداشت؟

۴ چرا روستایی کانگورو را متوقف نکرد؟

۵ چرا کانگوروی مادر آب را ننوشید؟

۶ چه ایده‌ای از طریق متن منتقل می‌شود؟

۷ واقعیت‌ها و وقایع موجود در متن را مشخص کنید.

رویداد	واقعیت
	۱. ...
	۲. ...
	۳. ...

۸ این ایده را که «آب مایه حیات است!» اثبات کنید.

۱. _____
۲. _____

۹ تصاویر را توصیف کنید و آنها را به متن ربط دهید.

پزشک روستا

۵

۱ متن را به درستی و با لحن مناسب بخوانید.

آنها نامه‌ای به گلپاز دادند. نامه توسط معلمی که در روستای همسایه زندگی می‌کرد نوشته شده بود. نوزادش به شدت بیمار بود.

گلپاز اسبش را زین کرد و به راه افتاد. جاده به روستای همسایه خیلی مشخص نبود.

ناگهان اسب گوش‌هایش را تیز کرد. گلپاز دو چشم گرگ را دید که مانند فانوس‌های سبز می‌درخشیدند. گرگ به سرعت روی اسب پرید. اسب به آن لگد زد و آن را به زمین انداخت. این بار





گرگ از کنار پرید. گلیاز تمام قدرتش را جمع کرد و با چکمه گردن بلندش محکم به آن لگد زد.
گرگ به پشت افتاد. گلیاز تمام قدرتش را جمع کرد و شروع به تعقیب اسب کرد.
بالاخره به روستا رسید و کودک بیمار را از مرگ نجات داد. دو روز بعد، وقتی گلیاز می‌خواست
برگردد، مادر کودک او را در آغوش گرفت و گفت:

– دکتر، چطور از خجالت تو بیرون خواهیم آمد؟

دکتر لبخندی زد و به نوزاد اشاره کرد و گفت:

– این پاداش ماست، ببین! آیا پاداشی بزرگتر از این هم وجود دارد؟



۲ کدام یک از ایده‌ها در متن وجود ندارد؟

- الف) پزشک در جاده با گرگی روبرو شد.
- ب) پزشک پسری بیمار را از مرگ نجات داد.
- ج) پزشک می‌توانست سوار اسب شود.
- د) اسب گرگ را لگد زد.

۳ ایده‌های صحیح را بر اساس متن مشخص کنید.

- ۱) کسی که وظیفه خود را به درستی انجام می‌دهد، خوشحال است.
 - ۲) فرد بی‌سواد مانند فرد نابینا است.
 - ۳) کسی که کار نیک انجام می‌دهد، نیکی می‌یابد.
 - ۴) هنر گنجی پایان‌ناپذیر است.
 - ۵) ثروت نه بر اساس ثروت، بلکه بر اساس پس‌انداز است.
- الف) ۱، ۲، ۳ ب) ۱، ۳، ۴ ج) ۲، ۳، ۵ د) ۳، ۴، ۵

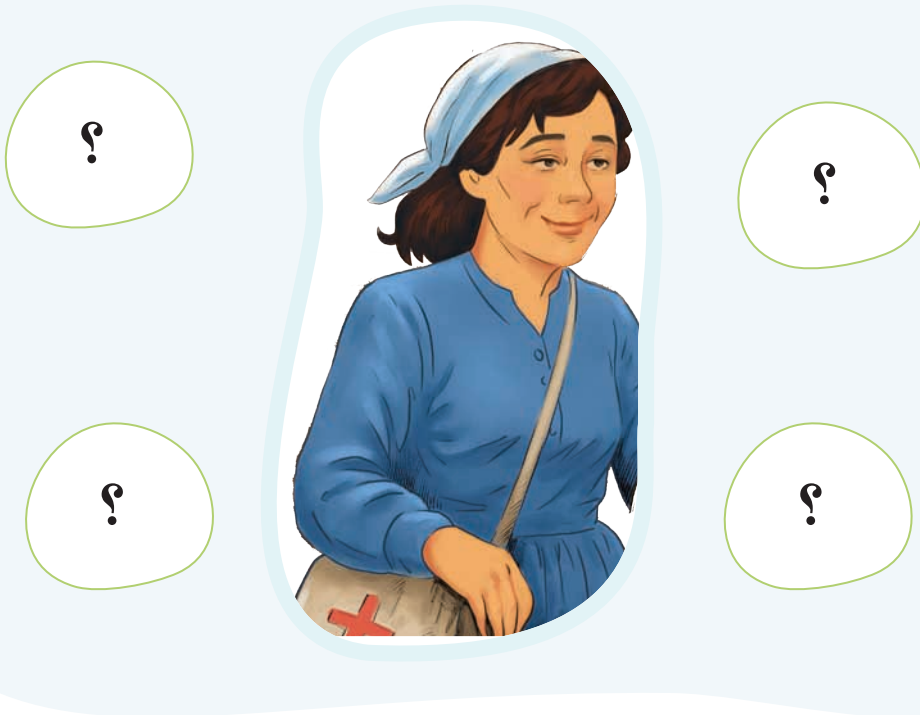
۴ در جمله زیر خط‌دار در متن، منظور پزشک از **پاداش** چه بوده است؟
ایده خود را در یک جمله بیان کنید.

۵ جمله را کامل کنید.

معلمی از روستای همسایه نامه‌ای به گلپاز نوشت زیرا _____



۶ بر اساس متن، ویژگی های گلیاز را بنویسید.



۷ کدام یک از عبارات زیر در مورد چشمان گرگ در متن نادرست است؟

الف. سبز

ب. روشن

ج. خاکستری

د. دو چشم.

۸ کدام جمله در متن تأیید می‌کند که این رویداد در زمستان رخ داده است؟

۹ تصویر را توصیف کنید.



فرهنگ

		Transkripsiya	Tərcümə
ا	اسارت	[e(ə)sarət]	əsirlik
	الان	[əl'an]	yenicə
	اهالی	[əhali]	əhali
	آهن	[ahən]	dəmir
	ارزاق	[ərzağ]	ərzaq
	اسیر	[əsir]	əsir
	اسرار	[əsrar]	sirlər
ب	باوجدان	[bavecdan]	vicdanlı
	باران	[baran]	yağış
	بارانی	[barani]	yağışlı
	باریدن	[baridən]	yağmaq
	باعظمت	[baəzə(e)mət]	əzəmətli
	بادوام	[badəvam]	davamlı
	برازنده	[bərazənde]	yaraşıqlı
پ	پاک کردن	[pak kərdən]	silmək
	پرطاعتی	[portağəti]	davamlılıq
	پیاز	[piyaz]	soğan
ت	تاب	[tab]	yelləncək
	تاب خوردن	[tab xordən]	yellənmək
	تبعه	[təbə'e]	vətəndaş
	تمشک	[təməşk]	moruq
	تغییرات	[təğyirat]	dəyişiklik
ج	جمعیت	[cəm'ıyyət]	cəmiyyət
	جسور	[cəsür]	cəsarətli, cəsür
	جنوب	[co(ə)nub]	cənub
	جلب	[cəlb]	cəlb
	جالب	[caleb]	cəlbedici
	جبر	[cəbr]	cəbr
چ	چیدن	[çidən]	dərmək

ح	حقیقت	[həğiğət]	həqiqət
خ	خم کردن	[xəm kərdən]	əymək
	خرابی	[xərabı]	dağıntı
د	دانش	[daneş]	məlumat, elm
	دیروز	[diruz]	dünən
	دیالوگ	[diyalıq]	dialog
	دسته	[dəste]	dəstə
	دستمال	[dəstmal]	yaylıq
	دوام	[dəvam]	davam
	دریانورد	[dəryanəvərd]	dənizçi
	دوره	[doure]	dövr
	دوستدار صلح	[dustdar-e solh]	sülhsevər
ر	رفتار	[rəftar]	davranış
س	ساکن	[saken]	sakin
	سالم	[saleml]	sağlam
	سهو	[səhv]	səhv
	سطل	[sətl]	vedrə
	سرراست	[sərrast]	sərrast
	سنگر	[səngər]	səngər
	سیاح	[səyyah]	səyahətçi
	سیاحت	[siyahət]	səyahət
ش	شایستگی	[şayəstegi]	yaraşiq
	شبه جزیره	[şebh-e cəzire]	yarımada
	شمال	[şemal]	şimal
	شخصیت	[şəxsiyyət]	şəxsiyyət
ص	صابون	[sabun]	sabun
	صابونی	[sabuni]	sabunlu
	صندلی متحرک	[səndəli-ye motəhərrek]	əlil arabası
	صحیفه	[səhife]	səhifə
ع	عاقل	[ağel]	müdrək
	عدالت	[ədalət]	ədalət

	علاقه‌مندبودن	[əlağemənd budən]	marəqlanmaq
	عوضی	[əvəzi]	dəyişik
ف	فاکت	[fakt]	fakt
	فرد	[fərd]	fərd
ق	قاره	[ğarre]	materik
م	موجودیت	[moucudiyyət]	varlıq
	مسکن	[məskən]	yurd
	مبارز	[mobarez]	mübariz
	مسئولیت	[məs'uliy-(y)ət]	məsuliyyət
	مسئول	[məs'ul]	məsuliyyətli
	محتشم	[mohtəşəm]	möhtəşəm
	معاصر	[mo'aser]	müasir
	مقایسه	[moğayese]	müqayisə
	مقصد	[məğsəd]	məqsəd
	مستقل	[mostəğel(l)]	müstəqil
	مذاکره	[mozakere]	müzakirə
	مهندس	[mohəndes]	mühəndis
	موضوع	[mouzu']	mövzu
	ممتاز	[momtaz]	əlaçı
	مبادله کردن	[mobadele kərdən]	dəyişmək
	مفید	[mofid]	faydalı
	میل	[meyl]	marəq
	مکان	[məkan]	məkan
	مسئله	[məs'əle]	misal, məsələ
ن	نزد	[nəzd-e]	yanında
	نبرد	[nəbərd]	döyüş
و	وجدان	[vecdan]	vicdan
	وطن‌پرستی	[vətənpərəsti]	vətənpərvərlik
ه	همکار	[həmkar]	əməkdaş

Buraxılış məlumatı

FARS DİLİ 7

Ümumi təhsil müəssisələrinin 7-ci sinifləri üçün
Fars dili (ikinci xarici dil) fənni üzrə

DƏRSLİK

Tərtibçi heyət:

Müəllif **Afət Xanbabayeva**

Layihə rəhbəri **Samirə Bektaş**

Buraxılışa məsul	Rafiq Kazimov
Dizayner və səhifələyici	Yeganə Rüstəmov
Rəssam	Pərviz Ələkbərli
Texniki redaktor	Sevinc Yusifova
Baş redaktor	Samirə Bektaş
Texniki direktor	Allahverdi Kərimov
Nəşriyyat direktoru	Sevil İsmayılova

© “Şərq-Qərb” Açıq Səhmdar Cəmiyyəti

Azərbaycan Respublikası Elm və Təhsil Nazirliyinin qrif nömrəsi: 2025-042

Müəlliflik hüquqları qorunur. Xüsusi icazə olmadan bu nəşri və yaxud onun hər hansı hissəsini yenidən çap etdirmək, surətini çıxarmaq, elektron informasiya vasitələri ilə yaymaq qanuna ziddir.

Hesab-nəşriyyat həcmi 12,8. Fiziki çap vərəqi 18. Formatı 57x82^{1/8}.

Kəsimdən sonra ölçüsü: 195x275. Səhifə sayı 144.

Şriftin adı və ölçüsü: məktəb qarnituru 10-12. Ofset kağızı. Ofset çapı.

Sifariş . Tiraj 450. Pulsuz. Bakı – 2025

Çapa imzalandığı tarix: .08.2025

Çap məhsulunu hazırlayan:

“Şərq-Qərb” ASC

(Bakı, AZ1143, Hüseyn Cavid pr., 111)

Çap məhsulunu istehsal edən:

“Şərq-Qərb” ASC

AZ1123, Bakı, Aşıq Ələsgər küç., 17

Əziz məktəbli!

**Bu dərslik sizə Azərbaycan dövləti tərəfindən
bir dərs ilində istifadə üçün verilir.**

**O, dərs ili müddətində nəzərdə tutulmuş bilikləri
qazanmaq üçün sizə etibarlı dost və yardımçı olacaq.**

**İnanırıq ki, siz də bu dərsliyə məhəbbətlə yanaşacaq,
onu zədələnmələrdən qoruyacaq, təmiz və səliqəli
saxlayacaqsınız ki, növbəti dərs ilində digər məktəbli
yoldaşınız ondan sizin kimi rahat istifadə edə bilsin.**

Sizə təhsildə uğurlar arzulayırıq!

